

پروزیهای شگرف اقتصادی پنجاه سال سازندگی انقلاب اکتبر

و حارس سایر عناصر متشکل روبناست . شرایط لازم را برای دگرگونی انقلابی در سراسر اروپا و زیر بنای اجتماعی فراهم ساخت . برای تحقق این دگرگونی پیش از همه میبایست به مسئله مرکزی در مناسبات تولیدی یعنی حل مسئله مالکیت پرداخت . این مسئله خطیر نیز با ملی کردن زمین و منابع آبی ، مصادره وسایل تولید در مؤسسات تولیدی و بازگانی بزرگ و متوسط و نیز بادولتی کردن مؤسسات مالی در همان ماههای اول انقلاب بطور عمده انجام پذیرفت .

طایفه و برقرار ساختن حاکمیت طبقه در بگر هدف نهایی نبود . انقلاب اکتبر میبایست سر آغاز تحول بنیادی در مجموعه مناسبات اجتماعی و پیش از همه مناسبات تولیدی باشد و در شرایط نیرو های مولده رشد یافته اجتماع برای نخستین بار مناسبات عادلانه در امر تولید و توزیع و در تمام شئون مادی و معنوی جامعه برقرار سازد . در هم شکستن دستگه دولتی کهنه ، این بخش فعال رو بنای اجتماعی که با اعمال قهر نظامی و ایجاد قیود الزام آور بوروکراتیک حافظ زیر بنای کهنه

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر با پایان دادن به حاکمیت سیاسی بهره کشان و در هم کوفتن دستگه دولتی آنان ، پایان دیکتاتوری اقلیت و آغاز دموکراسی را برای اکثریت جامعه اعلام داشت . در این انقلاب ، بر خلاف انقلابهای گذشته پایان دادن به حاکمیت یک

ماهنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بحران خاور میانه

عظیم نفت خاور میانه را بیدریغ و بلا مانع غارت کنند و سيطرة اسارت بار خویش را در این ناحیه از جهان تحکیم نمایند .
عیرغم پیروزی نظامی ارتش اسرائیل باید گفت امپریالیستها و مرتجعین صهیونی اسرائیل به هدف خود نرسیدند و جمهوری متحده عرب و سوریه در مواضع ضد امپریالیستی خود استوار ایستاده اند .

بحرانی که در خاور میانه پدید شد و منجر به تجاوز اسرائیل به جمهوری متحده عرب ، جمهوری سوریه و کشور پادشاهی اردن و تقات و خسارت فراوان خلقهای برادر عرب گردیده ثمره تحریکات طولانی امپریالیستها و بویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس و آلمان غربی در این ناحیه است که در درجه اول خواستار آن بوده و هستند که بدستگیری مرتجعین صهیونی اسرائیل ، حکومت های ضد امپریالیستی را در جمهوری متحده عرب و سوریه ساقط سازند و منابع

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره انتخابات سگانه مجلس شورا ، سنا و موسسان

« کارتهای انتخاباتی » (کارت اکثرال) تصویب شده است ، انتخابات در سراسر کشور در عرض یکروز بر اساس کارتهای انتخاباتی برگزار خواهد گردید . انتخابات باصطلاح « حزبی » خواهد بود ، دوحزب دولتی و شهباخته « ایران نوین » و « مردم » هم اکنون منفردین

روز ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ فرمان شاه ای انجام انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا ، دوره پنجم مجلس سنا و « مجلس مؤسسانی » که باید اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۳ قانون اساسی را تغییر دهد و اختیار تعیین نایب السلطنه را از مجلس سلب و بشاه منتقل سازد صادر گردید . بنا بر توضیح انصاری وزیر

کشور ، انتخابات سگانه روز جمعه ۱۳ مرداد در سراسر کشور انجام خواهد گرفت و بر حسب تغییری که متناسبت با جمعیت در تعداد و کلا داده شد ظاهراً ۲۱۹ وکیل مجلس و ۲۷۹ نماینده مجلس مؤسسان و ۳۰ تن سناتور « انتخاب » خواهند گردید . موافق تئوراتی که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ در قانون انتخابات وارد گردیده و نیز طبق آئین نامه ۳۰ ماده ای که چند ماه پیش در مورد

جنجال علیه حزب توده ایران

شماره سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه مقاله ای مرقوم داشت تحت عنوان « ریشه جعل چک در کجاست » و فیلسوفانه این ریشه را در تعالیم حزب ما جستجو کرد و نوشت : « هر جنایتی که کشف میشود بای پرورش یافتگان حزب توده ایران بیمان میاید » سپس روزنامه آژنگ بصحنه آمد و تحت عنوان « باند جاعلین از کدام مکتب الهام گرفته اند » مدعی شد که جاعلین اصلی از « افراد سابقه دار حزب

بحساب حزب ما بکناردار و چنین گفت : « در اینجا (یعنی در حزب توده ایران) مقدس وجود ندارد ، راهزنی ، دزدی ، جعل ، جنایت ، آدمکشی و همه رذایل توجیه میشود ، که باید گفت رئیس شهربانی رژیم راهزنان بزرگ اجتماعی واقعاً هم حق دارد در باره سازمان زحمتکشان رنج دیده ایران با همین لحن سخن پراکنی کند ! بدنبال درفشانی آقای رئیس شهربانی نوبت به جرائد دولتی میرسد . آقای مسعودی قلم رنجه فرمود و در اطلاعات

روزنامه های دولتی در هفته های اخیر از اخبار و مقالات جنجالی و بجد اعلی دشنام آمیز علیه حزب توده ایران سرشار بود . کپهان و اطلاعات و جراید دیگر اخبار مفصلی درباره کشف مطبعه حزب پخش کردند ، سپهبد مبصر رئیس شهربانی در مصاحبه مطبوعاتی ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۶ خود کشف ۱۲ تن جاعلین چک را بهانه قرار داده و بادعای آنکه سه تن از این افراد در سابق عضو حزب توده ایران بوده اند کوشید تا تمام این جریان را

سفری که برای شاه و محافل حاکمه آلمان غربی رسوائی ببار آورد

از ۶ تا ۱۴ خرداد ماه (۲۷ مه تا ۴ ژوئن) شاه در آلمان غربی بود . این سفر از چند نظر بیسابقه بود و نتایجی بیار آورد که میتواند هم برای شاه ، هم برای محافل امپریالیستی پشتیان شاه و هم برای مردم ایران عبرت آموز باشد .

شاه در حصار پلیس

اینکه شاه در داخل ایران در حصار از سرنیزه زندگی میکند مطلب تازه ای نیست . ولی اینکه شاه و محافل امپریالیستی پشتیان او مجبور شده اند این حصار پلیسی را ، آنهم بشکلی که در آلمان غربی رخداد ، در خارج هم بوجود آورند تازه و بیسابقه است .

از مدتی پیش گروهی از جاقو کشان و مأموران سازمان امنیت مستقماً از ایران به آلمان غربی آمده بودند تا نه فقط در حفظ

امنیت شاه با پلیس آلمان غربی همکاری کنند ، بلکه بعنوان « دانشجویان هوادار شاه » تظاهر کنند . از جانب دیگر مأموران سازمان امنیت و « هواداران شاه » در آلمان غربی هم توسط سازمان امنیت و سفارت ایران تجهیز شدند و برای اجرای هر دو وظیفه خود به « نیروی وارده از ایران » پیوستند . ولی البته این تدارکات امنیتی برای حفظ « شاه محبوب » کافی نبود .

پلیس آلمان غربی وظیفه اصلی را بر عهده داشت . سی هزار نفر پلیس و کارآگاه مخفی برای « حفظ شاه » تجهیز شدند . در هر شهری که شاه رفت و از هر نقطه ای که بازدید کرد همیشه چندین هزار پلیس همراه او بودند . این پلیس ها راه عبور و مرور و سائط نقلیه را قطع میکردند ، تمام منطقه ای را که شاه در آنجا بود « قرق » میکردند و

بنو ! فرزندت در پائیز بیدیدارت میشتافت ولی تو در بهار از جهان بیرون رفتی . قتلگاه تو گوشه ای محقر از یک خیابان عادی است . لکه خون ترا اکنون توده گلهای پوشانده اند . سرنوشتی غریب در انتظار تو بود : در گام مهمانان شوم قربانی شدن !

بنو ! نام کوچک تو را هرگز خلق من فراموش نخواهد کرد زیرا این نام روح جوانی است که بیدیدار شهیدان ما پرواز کرده است . آنها نیز قربانیان این گام شومند و چه کسی می انگاشت که اهریمن « ۲۸ مرداد » تا بران چنگ خواهد یازید و در آنجا نیز عطش خونخواری خود را فرو خواهد نشاند .

بنو ! ما در برابر همس تو و کودکی که وی در انتظار آنست سر خود را با اندوه و احترام فرو میاوریم . فرشته آزادی در کشور ما این فدیة گرانه های مردم آلمان را با شکوه میپذیرد و آنرا در ژرفای قلب ، در بارگاه تاریخ خود جای میدهد .



بنو اوته زورگ ، دانشجوی ۱۶ ساله آلمانی که در جریان تظاهرات دانشجویان هنگام سفر شاه به آلمان غربی به قتل رسید .

تفسیر ما را درباره تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی در صفحات ۴ و ۵ مطالعه فرمائید .

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه در باره انتخابات سگانه

مجلس را بین فرا کسیونهای خود تقسیم کرده اند. گفته میشود که هر یک از این دو حزب قریب هزار نامزد انتخاباتی برای مجالس سگانه معین خواهند کرد. احزاب شهساخته این روزها سخت سرگرم تفریح و تدارک انتخابات مصنوعی هستند. آنها بکمک دربار و سازمان امنیت لیست کاندیداتورها را ترتیب میدهند. از پیش معلوم است که چه کسانی باید کرسیهای مطلوب را اشغال کنند. بقیه امور صحنه سازی مضحکی پیش نیست. ایران در تمام دوران چهل ساله سلطه خاندان پهلوی از انتخابات آزاد محروم بوده است و ماهیت اصلی جریان کنونی نیز مانند همیشه است. منتها این بار رژیم با دعای پرتپنی بیدان آمده است و انتخابات حزب، کارت الکترا، سرعت انجام رأی گیری، شرکت نمایندگان کارگر و دهقان در انجمن نظار را بر می کشد و مدعی است که دارد ایران را برای دموکراسی آماده میکند!

در مورد کارت الکترا و انتخابات یکروزه در سراسر کشور، باید گفت اینها مطالب فنی است که بخودی خود دارای هیچگونه اهمیت اصولی نیست. مطلب اصلی بر سر آزادی انتخابات است که آنها وجود خارجی ندارد. کارت و سرعت رأی گیری دردی را از مردم دوا نخواهد کرد و فقط کار سازمان امنیت را برای مشکل کردن صحنه ساز پهلوی تسهیل خواهد نمود و بازی را با تضمین بیشتری بسود کارگردان اصلی یعنی شاه خاتمه خواهد داد. در مورد شرکت نمایندگان کارگر و دهقان در انجمن نظارت باید گفت این سخن صاف و ساده دروغ است. آنکسانیکه بعنوان کارگر و دهقان در انجمنهای نظارت شرکت میکنند مأمورین سازمان امنیت در جامه کارگری و دهقانی و یا افزای های بی اراده در دست این سازمانند.

در مورد حزبی بودن انتخابات نیز باید گفت این نیز دروغ بزرگی است. احزاب واقعی را مردم در جریان مبارزات اجتماعی پدید میآورند. در ایران احزاب واقعی، حزب توده ایران، جبهه ملی ایران و غیره مورد تعقیب وحشیانه، آزار و شکنجه و طرد و نفی هستند. در ایران ابوزبسون واقعی حق حیات ندارد. رژیم کوچکترین مخالفت جدی و اصولی با خود را تحمل نمیکند. باصطلاح احزاب موجود تنها دستهبندیهای مطیع درباری هستند لیدرهای این احزاب مانند آقایان هویدا و خسروانی و علم و عدل و ابستگان و سرسپردگان خاضع و خاشع دربارند.

برنامه های این احزاب اجراء منویات ملوکانه است. بازی اکثریت و اقلیت این احزاب بقدری مضحک است که جرائد کشور آنها را با سوز کاریکاتورهای خود قرار داده اند. شرایط اساسی انتخابات آزاد عبارتست از اجراء اصول قانون اساسی یعنی تأمین آزادی احزاب، اجتماعات، مطبوعات و استفاده آزادانه آنها از وسائل تبلیغاتی (جرائد، رادیو، تلویزیون و غیره)، تأمین آزادی فعالیت

سندیکاها و سازمانهای صغی در شهر و ده، تأمین نظارت مؤثر مردم و گروههای انتخاباتی بر سر انتخابات، دادن حق رأی بهمه ایرانیانی که بسن رشد رسیده باشند اعم از زن و مرد، لشکری و کشوری، ایرانیان خارج و داخل کشور، تقسیم کرسیهای نمایندگی به نسبت آراء احزاب و جمعیت هائی که در انتخابات شرکت جسته اند.

از اجراء این شرایط و اصول مسلم در ایران کوچکترین خبری نیست. حتی مطالبه این حقوق و دفاع از این اصول یعنی قبول خطر زندان و شکنجه و مرگ.

شاه میگوید ایران برای دموکراسی رشد نیافته و گویا دموکراسی زمانی که فقط ۱۰ درصد مردم ایران بیسواد باشند در ایران تحقق پذیر است. این یک سفسطه و یک توهین عظیم برمردم ایران است. مردم ایران قبل از جنگ جهانی اول نخستین ملت آسیائی بودند که یکی از پر مضمون ترین و وسیع ترین انقلابات دموکراتیک دست زدند. مردم ایران پس از جنگ دوم جهانی یکی از نخستین ملت های کم رشد بودند که برای دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی خود به نبرد پر شور پرداختند. رشد اجتماعی و سیاسی یک ملت را با درصد باسواد و بیسواد نمیتوان سنجید. ایران مدتهاست که برای دموکراسی رشد یافته است. دموکراسی نیاز اساسی ترقی و تکامل آتی سالم و نیرومند جامعه ماست.

مردم ایران از همه اکنون مجموع اقدامات و تدارکات رژیم در مورد انتخابات و از آنجمله انتخابات مجلس مؤسسان را از بیخ و بن غیر موجه و غیر قانونی میدانند. مترکز کردن سه انتخابات در یکروز بر خصلت اختناق آمیز جریان انتخابات در ایران باز هم میافزاید و ثمره آن تنها از آن کارگردانان این صحنه سازی مضحک است.

حزب ما و همه سازمانها و نیروهای دموکراتیک و ملی باید به سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل متفق، به انجمن جهانی حقوق بشر، سازمان جهانی حقوقدانان دمکرات، بفراسیون سندیکای جهانی، سازمان جهانی زنان دموکرات، به سازمان بین المللی دانشجویان، بسازمان جهانی جوانان دمکرات، به انجمن روزنامه نگاران دموکرات، بهمه احزاب و دیگر سازمانها و مطبوعات انقلابی و دموکراتیک جهان خطاب کنند و بگویند: مردم خیر اندیش و آزادیخواه جهان! در کشور ایران خبری از آزادی نیست و فضائل و حقوق بشری پامال میشود. صحنه سازی انتخاباتی فاقد اعتبار است. مردم ایران عملاً حق رأی ندارند. بازنگ واقعی آنها از وراء سرپوش آهنگین رژیم ترور و اختناق شنیده نمیشود. مردم ایران یاری دهید. نقاب تزویر و سوساوس شاه و مداحان و حامیان امپریالیستی وی را که میخواهند ایران را دارای یک حکومت پارلمانی و لیبرال جلوه گر سازند بردارید! یاری مردم کشوری بشتابید که ۶۰ سال پیش برای پارلمان واقعی جانفشانی کرده اند و حتی امروز با اسالیب استبداد قرون و سطاتی روبرو هستند.

ما بدینوسیله بهمه احزاب و سازمانهای

بقیه از صفحه ۸

در باره احزاب سلطنتی

شاه ملتی را که بیش از پنجاه سال سابقه مبارزه برای دموکراسی داشت متهم نمود که هنوز برای پذیرش دموکراسی سیاسی آماده نیست و در نتیجه «سیاست دموکراسی ارشادی» را برای مردم تجویز کرد و خود رأساً به تأسیس حزب اقدام نمود. نخستین مولود «سیاست دموکراسی ارشادی» احزاب توأمان «ملیون» و «مردم» بودند که یکی بنام اکثریت و دیگری بنام اقلیت با بعرضه گذاراند. «هنر بزرگ» این دو حزب مسابقه در عرصه تملق گوئی از شاه بود. اما از آنجا که احزاب بی ریشه دوامی ندارند این دو حزب نیز با طلوع قدرت دکتر امیری و ضعف نسبی شاه از هم پاشیدند.

برکناری امینی از صحنه سیاست و آغاز دوران «انقلاب سفید» مجدداً وجود احزاب ساخکی اقلیت و اکثریت را ضرور نمود، حزب اقلیت «مردم» با تغییر دیر کل مجدداً به عرصه آمد، ولی حزب اکثریت یعنی حزب «ملیون» دکتر اقبال برای «دوران جدید» ابرار مناسبی نبود، بدینجهت حزب درباری «ایران نوین» یا بعرضه وجود گذارد. شاه به حزب ایران نوین لقب «پاسدار انقلاب ششم بهم» داد و منصور دبیر کل حزب صریحاً اعتراف کرد که «ترسیم کننده برنامه حزب ایران نوین شخص شاهنشاه است» اگر تا قبل از دوران «انقلاب شاه و مردم» احزاب درباری «ملیون» و «مردم» خود را مجری «منویات شاه» میدانستند از این زمان دو حزب درباری «ایران نوین» و «مردم» خود را مجری «هدفهای انقلاب شاهانه» اعلام کردند. وظیفه این دو حزب ایفای نقش حزب اکثریت و اقلیت در رژیم است که حاضر به تحمل کوچکترین آزادی و دموکراسی برای مردم نیست. کارنامه فعالیت این دو حزب، جز اجرای تعالیم شاه و مشتئ ستایش و تمساق از او نیست. تفاوت در عبارات و جملات برنامه این دو حزب نباید و نمیتواند موجب گمراهی شود، زیرا برنامه ای جز اجرای دستور ها و نظریات شاه در مسائل داخلی و خارجی ندارند. اکنون نیز در آستانه انتخابات، اجرای وظایف معینی به این دو حزب محول شده است. از آنجا که انتخابات آینده «حزبی» اعلام شده این دو حزب وظیفه دارند به تقلید از دموکراسی غربی بنام حزب اکثریت و اقلیت عمل کنند.

ملی و دموکراتیک، بهمه سازمانهای مترقی و میهن پرست ایرانی خطاب میکنم: دوستان هم رژیم! برای مبارزه مؤثر در راه افشاء تقلبات انتخاباتی رژیم متحد شویم! ماهیت انتخابات قلابی رژیم را افشاء کنیم! وجدان مردم جهان را از این جریان آگاه سازیم، از سازمانها و مطبوعات خارج از کشور برای افشاء رژیم انتخاباتی شاه استفاده کنیم.

ما بدینوسیله بهمه رفقای حزبی، بهمه زحمتکشان شهر و ده ایران خطاب میکنم: از کلیه امکاناتی که دارید در داخل کشور و خارج از آن برای افشاء ماهیت ضددموکراتیک سیاست انتخاباتی رژیم شاه، برای بیدار کردن مردم، برای بسیج مردم به دفاع از حقوق اصیل و مقدس خود بکوشید. از تمام وسائل: توضیح شفاهی، نامه شکوائی، تلگراف، مقاله، تحصن، اعتصاب، نمایش و هر وسیله دیگری

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه بمناسبت بحران خاور میانه

کشور های سوسیالیستی و مقدم بر همه آنها اتحاد شوروی در جریان بحران خاور میانه تجاوز اسرائیل و پس از اجراء آتش بس بمشابه دوست اصولی و بسکیر خلقهای عرب و مدافع استوار امر صالح جهانی صلح در خاور میانه عمل کردند.

مادوستی کشورهای سوسیالیستی و در پیشانی آنها دولت اتحاد شوروی را در این زمینه مورد تأیید و تحسین قرار میدهیم. پیشنهاد های کشور های سوسیالیستی و کشور های عربی در سازمان ملل متحد در مورد حل بحران خاور میانه درست و عادلانه است. ما معتقدیم که زحمتکشان یهود حق دارند در میهن خود اسرائیل حکومت دلخواه و مستقل و آزاد خویش را داشته باشند ولی هیئت حاکمه صهیونی اسرائیل که دست نشانده امپریالیسم است حق ندارد دعوی ارضی علیه اردن، سوریه و جمهوری متحده عرب مطرح کند، حق ندارد بمشابه ژاندارم امپریالیسم در خاور میانه علیه نیرو های مترقی عرب عمل نماید.

مردم ایران میطلبند که هیئت حاکمه بجای سیاست دو پهلوی کنونی و ابراز خصومت بجمهوری متحده عرب و شخص جمال عبدالناصر، سیاست اصولی دفاع از حقوق حقه خلقهای عرب، قبیح تجاوز مرتجعین اسرائیل افشاء تحریکات امپریالیستی، تحکیم صلح در خاور میانه را در پیش گیرند.

ما بر آنیم که در دست کشور ماست که علیه دست اندازی امپریالیسم و صهیونیون اسرائیل بمذاقه بی خلل بعمل آورد. حزب ما خود با تمام قوا، بین موضع ایستاده است و مردم ایران را به مبارزه در راه دفاع از حقوق حقه خلقهای عرب و علیه متجاوزان امپریالیست و صهیونی دعوت میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۳۰ خرداد ۱۳۴۶

این اعلامیه در همان روز انتشار از رادیو بیخ ایران پخش شده است.

شکست سیاست تجزیه نشان داده حزب بازی و مبارزه است که شرط بقای هر مردم برای دموکراسی حزب پر خور داری از اعتماد مردم است. طی ۲۵ سال اخیر احزاب سلطنتی - دولتی با وجود برخورداری از همه گونه امکانات چون پشتیبانی مردم را نداشتند چندصباحی پائیدند و سپس نابود شدند، اما حزب ما که سرمایه ای جز اعتماد مردم ندارد با وجود ضربات در هم شکن دشمنان قوی پنجه ای چون امپریالیسم و ارتجاع داخلی از پای در نیامد و زنده است. حزب ما محصول نیاز جامعه بود لذا پایدار ماند، آن احزاب محصول هوس هیئت حاکمه بودند. بود شدند. دو حزب «ایران نوین» و «مردم» نیز سرنوشتی بهتر از اسلاف خود نخواهند داشت. مردم فریب جعل و تزویر را نمیخورند. آزادی و دموکراسی حق مشروع و قانونی هر ملتی است که آنرا قدر میشناسد و در راه آن مبارزه میکند. ملت ما نیز که شصت سال سابقه مبارزه در این راه دارد، هرگز تسلیم این حزب با زبها و الگو سازی ها نخواهد شد. مبارزه مردم تا حصول دموکراسی واقعی همچنان ادامه خواهد یافت. مینو

که ممکن شمرید، برای بلند کردن بانگ مردم و نشان دادن وضع استفاده کنید. مبارزه در راه دموکراسی مبارزه مرکزی است. وحدت و تشکل و بیگیری و جسارت در نبرد میتواند ما را در طول مدت در این مبارزه پیروز کند. دوران انتخابات دوران مساعدی برای بسط چنین مبارزه ایست. باید با تمام قوا با اجراء وظایف اجتماعی و میهنی خود در این دوران اقدام کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این اعلامیه در روز انتشار از رادیو بیخ ایران پخش شده است.

بقیه از صفحه ۱

جنجال علیه حزب توده ایران

منجمله توده و بازماندگان معدود آن دارودسته مخرب» بوده اند. مطلب باطنجا ختم نمیشود. مطبوعات ایران کوشیدند تا از طرق دیگر نیز به حزب ما حمله کنند. خواندنیها در «صفحه آزاد» در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۶ مقاله ای بی امضاء که با احتمال قوی از منابع دولتی است تحت عنوان «ملت ایران و اتحاد حاکمیر شوروی» درج کرد و فرصت را برای حملات بی ادبانه بحزب ما غنیمت شمرد و حزب توده ایران را «کانون فساد فراریان و راهزنان» نامید و باند کسانی که «حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و در بین مردم هیچگونه پایگاهی ندارند» که باید از نویسنده محترم «صفحه آزاد» پرسید: چرا از این کسانی که بقول شما حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و هیچگونه پایگاهی در مردم ندارند آنقدر وحشت مرگ دارد؟ و سپس باز نوبت اطلاعات شد و در سوم خرداد تحت عنوان «دوستی بشرط دوستی» رادیو بیگ ایران را آماج حمله قرار داد و در ۷ خرداد در سرمقاله ای تحت عنوان «اشعاب در حزب توده» یک خبر رادیو لندن را وسیله ساخت و تاز بحزب توده ایران قرارداد و افراد آن را به «گرمهای داخل لجن» تشبیه نمود. اخیرا مجله خواندنیها بدستور سازمان امنیت دست به انتشار باصطلاح «اسنادی» در باره «جنايات» حزب توده ایران زده و جعلیات قدیمی پلیس را بار دیگر پیمان کشیده است. در این عریبه های هیستریک درجه نزاکت و عفت قلم آقایان خود یک منظره تماشاغی است ولی مطلب از اینها جدی تر و بفرنج تر است.

ابتدا باید گفت ما از این جنجال هیستریک آقایان جارچیان رژیم شاه نه فقط رنجیده نیستیم بلکه ممنونیم. این بهترین پاسخ به آن محافل اوسوزسیون است که متأسفانه در این اواخر کوره تبلیغات ضدحزب توده ایران را گرم کرده اند و تا آنجا رفته اند که حزب توده ایران را به تسلیم در مقابل رژیم ضد ملی و ضددموکراتیک موجود ایران متهم ساخته و میسازند. این حملات متمرکز و متراکم و بعد اعلا زشت و گستاخانه نشان میدهد که در نظر هیئت حاکمه ایران تنها یک نیروی واقعا جدی و واقعا پیگیر و واقعا قابل توجه بعنوان آماج نبرد طبقاتی وجود دارد و آن نیز حزب توده ایران است. نشان میدهد که حزب توده ایران مانند سراسر تاریخ پرشور خود با هیئت حاکمه سازش ناپذیرست؛ نشان میدهد که نبرد سازمانی و تبلیغاتی ما به هدف میخورد. نشان میدهد که هیئت حاکمه هستی و تأثیر حزب توده ایران را در هر گام حس میکند. اینها فاکتورها و اسناد غیر قابل انکار است و هر متقال آن به خرواری سفسطه و ادعای تو خالی می ارزند.

پس از ذکر این واقعیت باید گفت که یکی از علل این جنجال تبلیغاتی حساب شده و «شه فرموده» تدارک توشه معنوی منجمله توده و بازماندگان معدود آن دارودسته مخرب» بوده اند. مطلب باطنجا ختم نمیشود. مطبوعات ایران کوشیدند تا از طرق دیگر نیز به حزب ما حمله کنند. خواندنیها در «صفحه آزاد» در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۶ مقاله ای بی امضاء که با احتمال قوی از منابع دولتی است تحت عنوان «ملت ایران و اتحاد حاکمیر شوروی» درج کرد و فرصت را برای حملات بی ادبانه بحزب ما غنیمت شمرد و حزب توده ایران را «کانون فساد فراریان و راهزنان» نامید و باند کسانی که «حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و در بین مردم هیچگونه پایگاهی ندارند» که باید از نویسنده محترم «صفحه آزاد» پرسید: چرا از این کسانی که بقول شما حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و هیچگونه پایگاهی در مردم ندارند آنقدر وحشت مرگ دارد؟ و سپس باز نوبت اطلاعات شد و در سوم خرداد تحت عنوان «دوستی بشرط دوستی» رادیو بیگ ایران را آماج حمله قرار داد و در ۷ خرداد در سرمقاله ای تحت عنوان «اشعاب در حزب توده» یک خبر رادیو لندن را وسیله ساخت و تاز بحزب توده ایران قرارداد و افراد آن را به «گرمهای داخل لجن» تشبیه نمود. اخیرا مجله خواندنیها بدستور سازمان امنیت دست به انتشار باصطلاح «اسنادی» در باره «جنايات» حزب توده ایران زده و جعلیات قدیمی پلیس را بار دیگر پیمان کشیده است. در این عریبه های هیستریک درجه نزاکت و عفت قلم آقایان خود یک منظره تماشاغی است ولی مطلب از اینها جدی تر و بفرنج تر است.

ابتدا باید گفت ما از این جنجال هیستریک آقایان جارچیان رژیم شاه نه فقط رنجیده نیستیم بلکه ممنونیم. این بهترین پاسخ به آن محافل اوسوزسیون است که متأسفانه در این اواخر کوره تبلیغات ضدحزب توده ایران را گرم کرده اند و تا آنجا رفته اند که حزب توده ایران را به تسلیم در مقابل رژیم ضد ملی و ضددموکراتیک موجود ایران متهم ساخته و میسازند. این حملات متمرکز و متراکم و بعد اعلا زشت و گستاخانه نشان میدهد که در نظر هیئت حاکمه ایران تنها یک نیروی واقعا جدی و واقعا پیگیر و واقعا قابل توجه بعنوان آماج نبرد طبقاتی وجود دارد و آن نیز حزب توده ایران است. نشان میدهد که حزب توده ایران مانند سراسر تاریخ پرشور خود با هیئت حاکمه سازش ناپذیرست؛ نشان میدهد که نبرد سازمانی و تبلیغاتی ما به هدف میخورد. نشان میدهد که هیئت حاکمه هستی و تأثیر حزب توده ایران را در هر گام حس میکند. اینها فاکتورها و اسناد غیر قابل انکار است و هر متقال آن به خرواری سفسطه و ادعای تو خالی می ارزند.

بقیه از صفحه ۱

پیروزیهای شگرف اقتصادی پنجاه سال سازندگی انقلاب اکبر

پس از حل انقلابی دو مسئله مرکزی در روینا وزیر بنگای اجتماعی یعنی حاکمیت و مالکیت در مدت زمان بسیار کوتاه که هر دو با تخریب عوامل کهنه توأم بود. کار به مراتب دشوارتر سازندگی که مستلزم دقت و شکست فراوان در مدت زمان نسبتا طولانی است آغاز گردید. اولین عمارت بود از ساختمان جامعه کمونیستی

ساختمان کمونیسم دارای جوانب و جهات متعدد و مراحل مختلف است. در این میان ایجاد پایه های مادی و فنی آن یعنی ایجاد پایه های اقتصادی این جامعه، بویژه در کشوری عقب مانده، کار بسیار دشوار و پراچ

برقراری مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و تکامل تدریجی این مناسبات هر رشد اقتصادی جامعه تأثیر عظیم باقی میگذارد. زیرا با برقرار شدن مناسبات، نوین و تکامل تدریجی این موانع عمده ناشی از تضاد های اجتماعی برطرف شده و شرایط لازم برای پیشرفت سریع نیرو های مولده فراهم میگردد. در عین حال مناسبات اجتماعی پیشرو برای آنکه بتواند به مرحله کمال برسد، بطور همه جانبه، در تمام شئون زندگی اجتماعی رسوخ باید و در تمام زوایای روح انسانی نفوذ کند. باید پیش از همه بر پایه های مادی خود یعنی بر نیرو های مولده رشد یافته متکی باشد. بدون اقتصاد رشد یافته ایجاد مناسبات اجتماعی کاملا و واقعا سوسیالیستی امکان پذیر نیست. از اینجاست که پیشرفتهای عظیم اقتصادی اتحاد شوروی نشانه دلیلی بیستری میسازد. مناسبات سوسیالیستی است، بلکه در عین حال حاکی از پیشرفت و تکامل مناسبات اجتماعی سوسیالیستی نیز میباشد.

بررسی پیروزیهای اقتصادی اتحاد شوروی در آستان پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، تنها میتواند به شناسایی بیشتر این کشور کمک کند؛ بلکه الهام بخش مردم ما در مبارزه خویش برای ایجاد ایرانی آزاد و آباد نیز تواند بود.

لنین میگفت: هر قدر کشوری که... باید انقلاب سوسیالیستی را آغاز کند، عقب مانده تر باشد، هفتاد و نوزده سال از مناسبات کهنه سرمایه داری به مناسبات سوسیالیستی برای آن دشوارتر خواهد بود، و روسیه تزاری کشوری بود عقب مانده. روسیه کشوری بود بطور عمده کشاورزی؛ بیش از ۸۰ درصد مردم آن در مناطق روستایی زندگی میکردند. اگر چه پیش از ۷۰ درصد جمعیت جهان در روسیه متمرکز بود، ولی تولید صنعتی آن در سال ۱۹۱۳ فقط ۴ درصد تولید

که در این جریان در موضوع غیر قانونی است نه حزب. بهر جهت جنجال آقایان هر طورس را که بگیرد بضرر ما نیست. هیچ ابلیسی دعاوی آقای مبصر را در باره آنکه ریشه بانید جاعلین چک در حزب توده ایران است باور نخواهد کرد. هیچ فیزد آزادی پرستی از اینکه ما در ایران، چرا به «ضمیمه مردم» و «شعله جنوب» را منتشر کنیم و با دیکتاتوری برزیم، بدش نخواهد آمد. هیچ دولت سوسیالیستی تن با این دروغ در نخواهد داد که گویا ما اخلاکاران دوستی ایران و کشورهای سوسیالیستی هستیم. هیچ بیخبری تن بقول جعلیات سازمان امنیت در باره حزب ما نخواهد داد و سر انجام هیچ سفیدی باور نخواهد کرد که شاه منبع ترقی انقلابی در تاریخ کشور است و حزب توده ایران جلوی این ترقی و انقلاب را سد کرده است. این تبلیغات از بیخ و بن برت و سست است. لذا با آنکه مبلغان بچماق خون آلود مجهزند در سیر تاریخ از آن هیچ اثر وضعی برجای نخواهد ماند. آنچه باقی میماند اعتراف است: اعتراف بوجود و حقایق حزب ما و مبارزاتش.

صنعتی جهان را تشکیل میدهد. عقب ماندگی روسیه موجب تسوخ سرمایه های کشورهای پیشرفته سرمایه داری را بین کشور فراهم ساخته بود. در روسیه پیش از انقلاب یک سوم سرمایه های شرکتهای صنعتی و بیش از ۴۰ درصد سرمایه های عمده ترین بانکها در دست سرمایه دارانی اروپایی غربی بود. سرمایه داران خارجی در مهمترین رشته های اقتصادی کشور یعنی در صنایع زغال و نفت و فلز کاری تسلط داشتند. بسیاری از مردم های زمین زخمیکشان بود. بیش از ۷۵ درصد مردم بیسواد بودند. بهر هزار نفر در حدود ۱۳ تخت بیمارستان و کمتر از ۲ پزشک میرسید.

این وضع روئیده در سال ۱۹۱۳ بود. اولی وضع اقتصادی کشور زمانیکه حکومت جوان شوروی بکار ساختمان سوسیالیسم پرداخت. از این نیز بدتر بود. در اثر نخستین جنگ جهانی و سپس در اثر مداخله مسلحانه کشورهای امپریالیست و تشکیل جنگ داخلی و خرابکاریهای عناصر سرمایه داری و ملاکان به ناسیامانی وضع اقتصادی کشور باز هم افزوده شد. تولید فولاد از ۴ میلیون تن در سال ۱۹۱۳ به ۲۰ میلیون تن در سال ۱۹۲۰ کاهش یافت. تولید زغال از ۱۹ میلیون تن به ۸۷ میلیون تن، تولید نفت از ۹۲ میلیون تن رسید و تولید برق از ۲ میلیارد کیلووات، ساعت، به ۵۰ میلیارد تنزل نمود. تولید صنعتی اتحاد شوروی در سال ۱۹۲۱ به ۳۱ درصد سال ۱۹۱۳ رسید. تولید کشاورزی در همین مدت به ۶۰ درصد تقلیل یافت و در آمد ملی به ۳۸ درصد رسید. این ارقام نه فقط عقب ماندگی روسیه تزاری را نسبت به کشورهای پیشرفته صنعتی نشان میدهد، بلکه فیلماستکی اقتصادی کشورها را در نهای اول انقلاب نیز بوضوح تمام آشکار میسازد. کشوری عقب مانده که شرایط تاریخی خاص اطمینان جدی به بنیه اقتصادی آن وارد آورد و تقریبا دو سوم درآمد ملی آنرا از این برید، نمیتوانست به نهایلی او در محاصره کشورهای درنده امپریالیستی که تنها به اجیم و ترسیم اقتصادی خود بپردازد، بلکه کشور را با کاهلی عظیم به پیش براند. و این کاری بود که اتحاد شوروی در برابر دیدگان خیرش زده جهان سرمایه داری انجام داد.

اتحاد شوروی بلافاصله پس از پایان مداخله مسلحانه خارجی و جنگ داخلی بکار پیشرفت اقتصادی خود پرداخت. برنامه ۵ گانه او، نخستین برنامه اقتصادی کشور تنظیم گردید. از آن زمان اتحاد شوروی با وجود محاصره اقتصادی او خسارات عظیم، زمان جنگ توانست با آمیگی سریع برشده اقتصادی خود ادامه دهد. درآمد ملی اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۵ نسبت به سال ۱۹۱۳ بیش از ۱۳ برابر افزایش یافت. تولید کشاورزی آن به ۲۰۵ برابر رسید و به محصولات صنعتی بیش از ۶۷ برابر افزوده شد. اتحاد شوروی اکنون به تنهایی از هر صد محصولات صنعتی جهان را تولید میکند. هدف تولید سوسیالیستی بهبود شرایط مادی زخمیکشان است. در نتیجه رشد سریع اقتصادی در زندگی مادی مردم شوروی تغییرات جدی حاصل شده. در آمد سرانه واقعی اهالی شوروی در سال ۱۹۶۵ نسبت به سال ۱۹۴۰ سه برابر افزایش یافت. اکنون بهر هزار نفر جمعیت شوروی ۲۴ پزشک و ۹۶ تخت بیمارستان میرسد (در سال ۱۹۱۳ بترتیب ۱۳ نفر و ۱۳ تخت). تعداد دانشجویان مدارس عالی از ۱۴۷ هزار نفر در سال ۱۹۱۳ به ۳۰ میلیون نفر در سال ۱۹۶۵ افزایش یافت.

حکومت اتحاد شوروی برای جهان سرمایه داری بیسازه است. رشد سریعتر اقتصاد شوروی برای پیروزی در مسابقه اقتصادی با جهان سرمایه داری امکان واقعا بوجود میآورد. لنین در همان تولید انقلاب میگفت: «من ایمانی دارم که حکومت شوروی به کشور های سرمایه داری رسیده و بر آن ها سبقت خواهد جست». اتحاد شوروی هم اکنون بر بسیاری از کشورهای سرمایه داری سبقت جسته است. راکر بونسه، پیش از انقلاب متعلقه تولید صنعتی قلم رنجم را از دنیا و قلم چهارم را در اروپا داشت. اتحاد شوروی اکنون مقام دوم را در جهان و مقام اول

تحلیلی از تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و نتایج آن

روز پنجم ژوئن نیروهای اسرائیل بخاک مصر و سپس به کشورهای عربی هم مرز حمله کرد. جنگی که اسرائیل در این روز علیه کشورهای عربی آغاز کرد تجاوز و حمله امپریالیسم بین المللی زیر ماسک اسرائیل، علیه جنبش نجاتبخش ملی در کشورهای عربی است، جنگی است که امپریالیسم برای تضعیف نیروهای ملی و ترقیخواه در منطقه نفت خیز خاورمیانه که سی درصد نفت جهان از آن صادر میگردد، برپا کرده، جنگی است که برای تسلط بر خاورمیانه یعنی جناح جنوب باختری اتحاد شوروی در گرفته جنگی است که جزئی از استراتژی جهانی امپریالیسم امریکا برای سرکوبی ترقی و آزادی در جهان است. جنگی است که هدف آن بطور مشخص ساقط کردن حکومتهای مترقی سوریه و مصر میباشد.

متجاوز کیست؟

مطبوعات، رادیو و تلویزیونهای غربی وابسته بمحافل امپریالیستی بخصوص در آلمان غربی در ماههای اخیر و در جریان حمله اسرائیل سعی فراوان نمودند که مصر را بعنوان متجاوز قلمداد کنند و تجاوز آشکار اسرائیل را به کشورهای عربی زیر پرده ای از دود تبلیغات دروغ و زهر آگین بیوشانند. مدعی شدند که مصر با بستن راه دریائی عقبه بروی اسرائیل و تمرکز نیروهای خود در مرزهای اسرائیل و پرواز دادن هواپیماهای خود در فضای مصر بسمت اسرائیل متجاوز است و گویا اسرائیل روز پنجم ژوئن برای دفاع از خود در تمام جبهه ها بداخل خاک مصر تاخته و تقریباً تمام مراکز نظامی و فرودگاههای مصر را بمباران کرده است؛ برای اینکه معلوم شود متجاوز کیست باید بواقعیات غیر قابل انکار ذیل توجه کرد: مرزهای سال ۱۹۴۸ اسرائیل با مرزهای روز پنجم ژوئن ۱۹۶۷، بکلی تغییر کرده است. حکومت اسرائیل در چندی قبل علناً اعلام داشت که حکومت سوریه را ساقط خواهد کرد. نیروهای نظامی اسرائیل در یکسال اخیر مکرر بخاک سوریه حمله کردند. پرواز هواپیماهای جنگی اسرائیل تا بالای دمشق پیش رفت. اسرائیل با سازمان جاسوسی امریکا علیه حکومت مترقی سوریه توطئه ای ترتیب داد که در نقطه خفه شد. دسته های مخصوص خرابکار و تروریست برای اعزام به سوریه ترتیب داد که بکمک ارتجاع سوریه بستانند و حکومت آنرا ساقط کنند. اسرائیل در سالهای اخیر سه میلیارد و دوست میلیون مارک از آلمان غربی کمک گرفته که قسمت مهمی از آنرا صرف تجهیزات جنگی کرده است. آلمان غربی در یک مرحله فقط ششصد میلیون مارک غربی اسلحه و مهمات جنگی مجاناً با اسرائیل داده است. درست در آستانه تجاوز اسرائیل دوست هواپیمای جنگی از طرف امپریالیستها با اسرائیل تحویل شده است، پنج هزار خلیان و متخصص جنگی در آلمان غربی برای اسرائیل تربیب کرده اند. نقشه حمله برق آسای موشه دایان وزیر جنگ اسرائیل بخاک مصر و کشورهای عربی از

عرب، ارسال کمکهای مالی به کشورهای عربی و پشتیبانی از هدفهای مترقی آنها واکنشی بود که اردوگاه سوسیالیسم و نیروهای ضد امپریالیستی از خود نشان دادند. افکار عمومی در کشورهای غیر عربی خاور میانه و پاکستان و هند که بتجربه توطئه های امپریالیستی را تشخیص میدهند، تهاجم اسرائیل را محکوم کرد و نسبت بملل عربی ابراز همدردی نمود. بطوریکه حتی شاه ایران تحت فشار افکار عمومی ناچار به اظهارات مساعدی نسبت به کشورهای عربی شد و از دولت خواست به نمایندگی ایران در سازمان ملل دستور دهد که از مبارزه برای بازگشت زمینهای اشغالی از طرف اسرائیل باعتراب پشتیبانی نماید. استراتژی جهانی امپریالیسم سرکوب جنبشهای آزادیبخش و استقلال طلب را در سالهای اخیر با تهاجم مستقیم و غیر مستقیم هدف خود قرار داده و از امریکای لاتین تا انونوزی بهجوم و حمله دست یازیده است. جنگ ویتنام، لشکر کشی به سن دمنیک، کودتا در یونان، کودتا های نظامی در قاره افریقا و تهاجم در خاور میانه همه حلقه یک زنجیر است که بدست امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم امریکا انجام میگردد.

روش اتحاد شوروی

و کشورهای سوسیالیستی

در آستانه و خامت اوضاع در خاور میانه اتحاد جماهیر شوروی بمنظور حفظ صلح و پشتیبانی از جنبشهای ضد امپریالیستی مکرر حکومت اسرائیل را از توطئه و تجاوز بر حذر داشت و به امپریالیستهای امریکائی و یاران او اخطار کرد که از دخالت در وضعی که بین اسرائیل و کشورهای عربی بوجود آمده خودداری کنند. بطوریکه میدانم در آستانه تجاوز اسرائیل ناوگان ششم امریکا و نیروی دریائی انگلستان در مدیترانه برای تقویت اسرائیل بدریای احمر و نزدیکی آبهای مصر و اسرائیل روانه گردیدند و نیروهای انگلیسی در قبرس بحالت آماده باش خوانده شدند اخطار اتحاد جماهیر شوروی و اعزام قسمتی از ناوگان دریای سیاه بمدیترانه موجب شد که امپریالیستها از دخالت مستقیم در جنگ خودداری کردند ولی آنها آنقدر اسلحه و مهمات و هواپیما و اطلاعات جاسوسی به اسرائیل داده بودند که توانست با حمله ناگهانی خود موقتاً پیشرفت کند و مواضع قابل توجهی را بدست آورد. اتحاد جماهیر شوروی بلافاصله پس از حمله اسرائیل در شورای امنیت بکمک کشورهای عربی شتافت، نماینده اتحاد شوروی و هند پیشنهاد کردند که فوراً آتش بس داده شود و متجاوزان اسرائیلی به مبدأ حمله خود باز گردند و حکومت اسرائیل بعنوان متجاوز محکوم گردد امریکا و انگلیس با این پیشنهاد مخالفت کردند و امکان دادند که اسرائیل با استفاده از زمان تا آنجا که ممکن است

مدتها پیش تهیه شده بود. در مقابل تمام این اقدامات حکومت مصر خلیج عقبه را که متعلق بمصر و عربستان سعودی است بروی کشتیهای حامل اسلحه و مهمات که میبایست صرف هجوم و حمله به کشورهای عربی شود بست و نیروهای خود را آماده دفاع کرد. با وجود تمام تذکراتیکه بدولت اسرائیل از طرف اتحاد شوروی و دبیر کل سازمان ملل متحد و سایر شخصیتهای سیاسی بمنظور جلوگیری از وقوع جنگ داده شد، جنگ همه جانبه ای را در روز پنجم ژوئن آغاز کرد. روز هفتم ژوئن به پیشنهاد اتحاد شوروی، شورای امنیت سازمان ملل متحد متفقاً رأی داد که متخاصمین فوراً فرمان آتش بس بدهند تا از توسعه جنگ که خطر بروز جنگ جهانی را در بر دارد جلوگیری شود، باز هم اسرائیل به تجاوز خود ادامه داد و علیرغم تذکر مجدداً شورای امنیت و قبول آن از طرف تمام کشورهای عربی در خاک سوریه پیش رفت و تا روز دهم ژوئن این وضع ادامه یافت. اینک پس از چند روز که از وقوع جنگ و پایان موقت آن میگردد و دولت اسرائیل با کمال صراحت زمینهای اشغالی اردن، شهر بیت المقدس، حاشیه غزه، بندر عقبه و در یک کلام تمام مناطق اشغالی را جزء خاک خود اعلام میکند، معلوم است که معنی برای ادعای باطل محافل تبلیغاتی وابسته با امپریالیسم باقی نماند.

واکنش جهان

پیشرفت موقت نظامی اسرائیل در خاک کشورهای عربی از طرف دولتها و دستگاه های تبلیغاتی امپریالیست ها با شادی و شغف فراوان تلقی و رجز خوانی موشه دایان علیه ناصر و سایر رهبران کشورهای عربی با کف زدن محافل امپریالیستی مواجه گردید. بطوری که در کنگره امریکا سناتوری گفت بوسمت دولت امریکا موشه دایان را در مقابل ۴۰۰ هواپیمای مدرن از اسرائیل بستانند و بویتنام اعزام دارد؛ در بین کشورهای امپریالیستی از همه بیشتر آلمان غربی از پیشرفت موقتی نظامی اسرائیل ابراز خوشنودی میکند و آنرا بحساب جبران یهود کشتی های آلمان نازی میگذارد در حالیکه این فاشیست های هیتلری بودند که میلیونها یهودی بیگناه را در بازداشتگاههای داخاو، آئوش ویتس و غیره نابود کردند نه برعکس، حقیقت اینست آنچه برای حکومت آلمان غربی خوش آیند است رفتار و اعمال فاشیستی حکومت صهیونی اسرائیل علیه ملت های عربی و حسن خدمتی است که این حکومت در اجرای هدفهای امپریالیستها بعمل میآورد. تهاجم و تجاوز اسرائیل در کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ضد امپریالیستی موجی از خشم علیه محافل حا که اسرائیل و امپریالیستهای حامی آنها برانگیخت. تظاهرات وسیع علیه تهاجم و امپریالیستها ابراز همدردی با ملل

پیشروی کند. بار دیگر اتحاد شوروی پیشنهاد کرد که دول متخاصم در هر نقطه که هستند بایستند و آتش بس داده شود. اینک مسلم است که این پیشنهاد بمنظور جلوگیری از توسعه دامنه جنگ برحسب تقاضای مصر بعمل آمده. این بار شورای امنیت متفقاً با این پیشنهاد رأی داد و به متخاصمان ابلاغ گردید. ولی اسرائیل که هنوز به هدفهای قطعی نظامی خود نرسیده و مخصوصاً در مرزهای سوریه پیشرفتی نکرده بود از اجرای آتش بس خودداری کرد. اتحاد شوروی با تعیین ضرب الاجل برای سومین بار با توافق آرای شورای امنیت قطعنامه آتش بس را بتصویب رساند و همه متخاصمان آنرا قبول کردند ولی باز هم اسرائیل از ادامه تجاوز تا روز دهم ماه ژوئن در خاک سوریه خودداری نکرد. اتحاد شوروی با استفاده از تجاوز اسرائیل پس از آتش بس از جلسه فوق العاده شورای امنیت خواست که اسرائیل بعنوان متجاوز و ناقض فرمان آتش بس شناخته شود فقط نماینده امریکا باین پیشنهاد رأی ممتنع داد. اتحاد شوروی پس از اخذ رأی مکرر به اسرائیل روابط سیاسی خود را باین دولت قطع کرد و متوالیاً چکوسلواکی، بلغارستان، مجارستان و لهستان روابط خود را با اسرائیل قطع کردند. جلسه فوق العاده سران احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی اروپا با استثنای رومانی و آلبانی با شرکت مارشال تیتو در اتحاد جماهیر شوروی اسرائیل را محکوم کرد و بلزوم هر گونه اقدام برای جلوگیری از تهاجم و اجرای مجازاتهای مناسب درباره اسرائیل با توافق آراء رأی داد. اتحاد جماهیر شوروی رسماً اعلام داشت که از بدن هر گونه مساعدت برای پیشرفت اقتصادی کشورهای عربی و تقویت آنها برای دفاع از خود در مقابل تجاوز امپریالیست ها خودداری نخواهد کرد. تبلیغات امپریالیستی سعی فراوان میکنند که اتحاد شوروی را ب«فاداری» و «خلف وعده» نسبت بکشورهای عربی متهم کند. ولی این سعی بکلی بیفایده است جریان سرکوت نشان داد که اتحاد شوروی با اصول سیاست خود که از یکطرف حفظ صلح جهانی و عدم دخالت در امور کشورهای و از طرف دیگر کمک بجنبش های آزادی بخش ملی و حکومتهای مترقی آست مؤمن و وفادار است. فقط کوتاه نظران لزوم دخالت نظامی اتحاد شوروی را در جنگ اسرائیل علیه اعراب و کشاندن جهان بجنگی که نتایج وخیم آن برای بشریت غیر قابل پیش بینی است تبلیغ و از آن بهره برداری تبلیغاتی میکنند. تنها هواداران مشی حادثه جویانه در سیاست بین المللی مانند چوئن لای که دوستی از دور بر آتش دارد، میتوانند با فرمان آتش بس مخالفت و مصر را بادامه جنگ تشویق نمایند.

آیا اسرائیل پیروز شده است؟

پیشرفت سریع نیروهای مهاجم در خاک مصر و اردن و موفقیت نسبی این نیروها در اسرائیل و پشتیبانی آنرا دچار سرگیجه کرده است. سخنرانی موشه دایان در مقابل مجربان جراند و خبرگزاری های خارجی و ادعاهای

بقیه از صفحه ۴

تحلیلی از تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و نتایج آن

فلسطین فرستاد و جنگ یک ماهه متوقف شد ولی یهودان کنت برنادوت را ترور کردند و مجدداً جنگ ادامه یافت. کمی بعد بوساطت سازمان ملل متحد فرمان آتش بس داده شد و مرزهای موقت بوجود آمد ولی ناکهان قبولی اسرائیل بمنطقه ایلات در کنار خلیج عقبه جمله برده و آنرا تصرف کردند. در این حوادث حدود یک میلیون نفر عرب از ترس ترور یهود هر چه داشتند گذاشتند و بکشورهای دیگر عربی و بیشتر بکشور اردن مهاجرت کردند و فرخ حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر عرب در اسرائیل باقی ماند که اینک از حقوق اتباع اسرائیل محرومند در سال ۱۹۵۶ یعنی هنگام مای کردن ترعه سوئزبار دیگر اسرائیل بمصر حمله برد و قوای انگلستان و فرانسه نیز بپاک مصر تجاوز کردند. اخطار دولت اتحاد شوروی اتان را وارد عقب نشینی کرد و اسرائیل ناچار شد قوای خود را بمرزهای قبل از تجاوز بازگرداند از طرف سازمان ملل در مرزهای بین کشورهای عربی و اسرائیل نیروهای مراقبی گذاشته شد و شهر بیت المقدس نیز بسو قسمت عملاً تقسیم گردید. اما اختیارات اساسی یعنی مسئله بنهاندگان عرب و فلسطین بجای خود ماند. از آغاز تاسیس حکومت اسرائیل سبلی از مهاجران یهود از اطراف جهان فلسطینی روانه گردید بطوریکه اکنون دویسیون و دویست هزار یهودی در مقابل سیصد هزار عرب در فلسطین جای گرفته اند. این نکته را باید گفت که هم اکنون یهودان فلسطین بسو دسته متمایز تقسیم میشوند. یکدسته ساکنان قدیمی که صد ها سال با اعزب فلسطین در صلح و صفا زندگی میکردند و از حیث آداب و رسوم بهم نزدیک بودند و دسته دیگر مهاجران اروپایی و امریکائی که از هر جهت باسکنان بومی فرق فاحش دارند. حکومت واقعی فلسطین در دست یوزروای بزرگ و وابسته است که مورد حمایت کشور های امپریالیستی و در درجه اول امریکاست.

از روی این تاریخچه کوتاه بخوبی میتوان پی برد که تا چه حد ادعای کشورهای عربی دستکاه های تبلیغاتی آنها در باره حقوق اسرائیل در فلسطین مقرون بحقیقت است. حکومت اسرائیل در زیر پرده های از اشک تمساح برای قربانیان فاشیسم و باسوء استفاده از احساس همدردی مردم جهان نسبت بیه توده های رنجبر و بی آزار یهود بدست نمایندگان یوزروای بزرگ یهود بکمک امریکائیان و در آغاز با تریس انگلستان بوجود آمد و کشوری که اکثریت آنرا عربها تشکیل میدادند تصاحب شد و در مدتی کوتاه ماهیت تجاوزکار آن معلوم گردید. ابتدا تصمیم سازمان ملل متحد را دائر به تشکیل کشوری عربی در فلسطین فرخ حضور؟ اسرائیل نقض کرد. سپس به ناحیه ایلات با حضور کمیسیون آتش بس تجاوز نمود. بار دیگر بدستور امپریالیستی های امریکائی و انگلیسی در سال ۱۹۵۶ بمصر حمله کرد و اینک پس از ۱۱ سال تسویه طلبانه جذبدی را بمورد اجرا میکشاند. اکنون اسرائیل از پشتیبانی کامل امریکا و انگلستان و آلمان غربی یعنی سه نیروی بزرگ سرمایه داری توسعه طلب برخوردار است. انگلستان که در آغاز امر در پشتیبانی اسرائیل تریس داشت و جانب حکومتهای دست نشاند خود را در کشورهای عربی مراعات میکرد پس از توسعه جنبش نجات بخش ملی در کشورهای عربی و سقوط حکومت های ارتجاعی و قوادی عراق، سوریه، مصر و یمن که نتیجه مستقیم تأثیر پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ علیه فاشیسم و پیدایش جبهه نیرومند کشور های سوسیالیستی است، روش خود را در مورد اسرائیل تغییر داد و بیکی از پشتیبانان آن تبدیل گردید.

سازمان داد. از همان زمان اعزب با احساس خطر ناخشنودی خود را از تمرکز یهودان در فلسطین ابراز داشتند و دولت چمبرلین ناچار شد در سال ۱۹۳۹ در کتاب سفید مهاجرت و خرید زمین را از طرف یهودان در فلسطین محدود کند ولی بهر حال با موافقت بهائی انگلستان صهیونیست ها توانستند تعداد زیادی مهاجر فلسطین بفرستند بطوریکه در آستانه جنگ دوم ۲۲ در صد از سکنه فلسطین یهودی بود. در جنگ دوم انگلستان از یهودان که از طرف آلمان هیتلری بنا بودی مطلق تریس میشدند حد اعزب استفاده را نمود و بانها وعده استقلال در خاک فلسطین داد و صهیونیست ها تا توانستند مهاجر یهودی فلسطین فرستادند ولی در پایان جنگ انگلستان بدست جلوی مهاجرت را گرفت زیرا احساس میکرد که این بار یهودان از طرف امریکا که رقیب تازه ای در خاور میانه برای آنها هستند تقویت میشوند. فشار محافل متنفذ یهودان امریکائی و احساس ترحم و دلجوئی که در همه جا بنفع یهودان بوجود آمده بود موجب شد که انگلستان در محظور سختی قرار گیرد. ترومن رئیس جمهور امریکا پیشنهاد کرد که حکومتی فدرال از اعزب و یهود در فلسطین تشکیل و شهر بیت المقدس بین المللی شود و مهاجرت یهود فلسطین محدود گردد. اتالی نخست وزیر انگلستان پیشنهاد تشکیل میز گردی از یهود و اعزب کرد ولی یهود آنرا رد کردند اختلاف بین اعزب و یهود در فلسطین روز بروز شدت مییافت و سازمان تروریستی از یکطرف به پایگاههای انگلیسی و از طرف دیگر با اعزب فلسطین حمله میکرد. بالاخره در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد با اکثریت رأی داد که فلسطین بدو کشور مستقل یهودی و عربی تقسیم و شهر بیت المقدس بشهر آزاد بین المللی تبدیل گردد اعزب با این تصمیم مخالفت کردند و انگلستان که بعنوان قیومیت فلسطین را در اختیار داشت قبول آنرا موکول بموافقت طرفین ذینفع نمود. روز ۱۵ مه ۱۹۴۸ دوران قیومیت انگلستان پایان رسید و این دولت اعلام کرد که فلسطین را ترک خواهد نمود. لژیون عرب بفرماندهی ژنرال کلوب پاشای انگلیسی بتدریج مواضع تخلیه شده از طرف انگلستان را بنام کشور اردن اشغال میکرد و در همین حال عملیات تروریستی یهود بلوچ خود نزدیک میشد.

فاجعه قتل سیصد نفر زن و بچه عرب بدست تروریستها در دیر دیاسین، و تجاوز دائمی آنها به زنان عرب موجب شد که اعزب مسالمت جو راه مهاجرت و در واقع فرار از فلسطین را در پیش گیرند و بکشور های عربی مجاور پناهنده شوند. کمیسیون سازمان ملل متحد که مأمور اجرای طرح سازمان در فلسطین بود در مقابل اوضاع آشفته فلسطین ابراز ناتوانی و تقاضای نیروی نظامی کرد. در همین موقع حکومت امریکا پیشنهاد نمود که کمیونی بنام سازمان ملل اداره امور را در فلسطین بدست گیرد و متدرجا آنرا باستقلال برساند. عبارت دیگر فلسطین بنام سازمان ملل مستقیماً تحت اداره امریکا یا امریکا - انگلستان درآید ولی چند ساعت پس از تخلیه فلسطین از نیروهای انگلیسی (بن گوریون) مدیر دفتر آژانس یهود در فلسطین تاسیس حکومت اسرائیل و استقلال آنرا اعلام نمود و اولین جنگ رسمی و علنی بین کشورهای عربی و حکومت اسرائیل آغاز گردید. سازمان تروریستی هاگانا که نیروی ضربتی سختی بود هسته اصلی ارتش اسرائیل را تشکیل داد و این نیرو توانست با قوای کشور هللی مصر، سوریه، لبنان و اردن که همه دارای حکومت های دست نشاند بودند برابری کند و قوای مصر و اردن را بعقب براند. سازمان ملل کنت برنادوت رئیس صلیب سرخ بین المللی را برای وساطت بین عرب و یهود

برای اطلاع از چگونگی پیدایش حکومت اسرائیل که مسلماً بر قضاوت صحیح درباره وقایع اخیر مفید است ذیلاً تاریخچه کوتاهی درج میشود:

اسرائیل چگونه بوجود آمد؟

از آغاز اعلام تاسیس کشور اسرائیل در خاک فلسطین از طرف بن گورین مدیر آژانس یهود در فلسطین بسال ۱۹۴۸ و شناسایی قوی آن از طرف امریکائیان تا کنون بطور مداوم گامی بصورت حد و زمانی بصورت زودخورد در مرزها، مرزهایی که هیچوقت تثبیت نشده جنگ بین اسرائیل و اعزب در جریان است، اعزب حکومت یهودان را در فلسطین حکومتی میدانند که بزور در سرزمین آنها بوجود آمده و میهن آنها را اشغال کرده و بیش از یک میلیون عرب را از زادگاه خود جبراً بخلج رانده و هستی آنها را بیقما برده است. یهودان بنا استناد به تورات و وضع شهر اورشلیم در سه هزار سال پیش، این منطقه را از آن خود میدانند و مدعیند که خاک آنها از طرف اعزب و سایر اقوامی که در این منطقه میزیسته اند نصب شده است! هر دو طرف خاک اشغال شده از طرف حکومت اسرائیل را از آن خود و میهن خود میدانند. حقیقت چیست؟ حقیقت این است که پس از تسلط روم بزرگ بر تمام منطقه شرق مدیترانه تا کنون یعنی در طول نزدیک به دو هزار هفتاد سال هیچگاه در منطقه فلسطین حکومتی یهودی وجود نداشته و در دوران اسلام فلسطین و شهر بیت المقدس جزئی از ممالک اسلامی بوده و مانند اکثر کشورهای فلسطین هم یک اقلیت یهودی در کنار اکثریت اعزب این منطقه با هم میزیسته اند. یهودان در هر جای دنیا که بوده اند دارای تابعیت محلی و جزء مردم آنجا بوده اند چنانکه هم اکنون بیش از بیازده میلیون یهودی در اروپا و امریکا و آسیایه کشورهای محل سکونت خود میباشند. در آستانه جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴) یهودان فقط ۱۴ در صد از سکنه فلسطین را تشکیل میدادند و ۸۶ در صد سکنه اعزب بودند در سال ۱۹۱۴ یکی از شیمی دانان معروف بنام (شایم ویزمان) موفق بکشف ماده مهم منفجره ای بنام (آستن) گردید و نتیجه کشف خود را در اختیار دولت انگلستان گذاشت و در مقابل تقاضا کرد که انگلستان به نهضت صهیونیسم کمک کند تا یهودان هنگام پیروزی انگلستان در جنگ بتوانند مرکز برای خود در فلسطین داشته باشند. (نهضت صهیونیسم در قرن نوزدهم بوجود آمد و در اواخر این قرن بصورت سازمانی که میتواند بانگلستان در جنگ علیه عثمانی مفید باشد بنهانی مورد حمایت انگلستان قرار گرفت) انگلستان با این تقاضای روی موافق نشان داد.

در سال ۱۹۱۷ پس از شکست عثمانی ارد بالقور وزیر خارجه وقت انگلستان به لرد رچیلد ملیونر معروف یهودی چنین نوشت: «حکومت پادشاهی انگلستان با تاسیس یک مرکز ملی برای یهود در فلسطین موافق است و آنچه میتواند در اجرای این منظور بکار خواهد داشت، از طرف دیگر انگلستان در دوران جنگ اول توسط جاسوسان خود از قبیل کانل لورنس معروف اعزب را علیه دولت عثمانی برانگیخت و بانها وعده استقلال داد. پس از پایان جنگ در تمام مناطق عربستان باستانی سوریه و لبنان که غنیمت جنگی فرانسه شد حکومتهای عربی بوجود آمد که بیشتر در بند انجام خواسته های انگلستان بودند تا مایل است استقلال طلبانه ملل عربی. در سال ۱۹۲۲ انگلستان که موافقت خود را در کشورهای عربی تثبیت شده میدید اعلام داشت که قصد ندارد فلسطین را بکشوری یهودی تبدیل نماید و خود فلسطین را بعنوان تحت الحمایه اشغال کرد. در سال ۱۹۲۹ با اجازه انگلستان دفتر آژانس یهود از طرف صهیونیست ها تاسیس گردید این دفتر با استفاده از فقر اعزب بخرید بهترین زمین های فلسطین آغاز نمود و مهاجرت یهودان را بفلسطین

برای اطلاع از چگونگی پیدایش حکومت اسرائیل که مسلماً بر قضاوت صحیح درباره وقایع اخیر مفید است ذیلاً تاریخچه کوتاهی درج میشود:

اسرائیل چگونه بوجود آمد؟

از آغاز اعلام تاسیس کشور اسرائیل در خاک فلسطین از طرف بن گورین مدیر آژانس یهود در فلسطین بسال ۱۹۴۸ و شناسایی قوی آن از طرف امریکائیان تا کنون بطور مداوم گامی بصورت حد و زمانی بصورت زودخورد در مرزها، مرزهایی که هیچوقت تثبیت نشده جنگ بین اسرائیل و اعزب در جریان است، اعزب حکومت یهودان را در فلسطین حکومتی میدانند که بزور در سرزمین آنها بوجود آمده و میهن آنها را اشغال کرده و بیش از یک میلیون عرب را از زادگاه خود جبراً بخلج رانده و هستی آنها را بیقما برده است. یهودان بنا استناد به تورات و وضع شهر اورشلیم در سه هزار سال پیش، این منطقه را از آن خود میدانند و مدعیند که خاک آنها از طرف اعزب و سایر اقوامی که در این منطقه میزیسته اند نصب شده است! هر دو طرف خاک اشغال شده از طرف حکومت اسرائیل را از آن خود و میهن خود میدانند. حقیقت چیست؟ حقیقت این است که پس از تسلط روم بزرگ بر تمام منطقه شرق مدیترانه تا کنون یعنی در طول نزدیک به دو هزار هفتاد سال هیچگاه در منطقه فلسطین حکومتی یهودی وجود نداشته و در دوران اسلام فلسطین و شهر بیت المقدس جزئی از ممالک اسلامی بوده و مانند اکثر کشورهای فلسطین هم یک اقلیت یهودی در کنار اکثریت اعزب این منطقه با هم میزیسته اند. یهودان در هر جای دنیا که بوده اند دارای تابعیت محلی و جزء مردم آنجا بوده اند چنانکه هم اکنون بیش از بیازده میلیون یهودی در اروپا و امریکا و آسیایه کشورهای محل سکونت خود میباشند. در آستانه جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴) یهودان فقط ۱۴ در صد از سکنه فلسطین را تشکیل میدادند و ۸۶ در صد سکنه اعزب بودند در سال ۱۹۱۴ یکی از شیمی دانان معروف بنام (شایم ویزمان) موفق بکشف ماده مهم منفجره ای بنام (آستن) گردید و نتیجه کشف خود را در اختیار دولت انگلستان گذاشت و در مقابل تقاضا کرد که انگلستان به نهضت صهیونیسم کمک کند تا یهودان هنگام پیروزی انگلستان در جنگ بتوانند مرکز برای خود در فلسطین داشته باشند. (نهضت صهیونیسم در قرن نوزدهم بوجود آمد و در اواخر این قرن بصورت سازمانی که میتواند بانگلستان در جنگ علیه عثمانی مفید باشد بنهانی مورد حمایت انگلستان قرار گرفت) انگلستان با این تقاضای روی موافق نشان داد.

در سال ۱۹۱۷ پس از شکست عثمانی ارد بالقور وزیر خارجه وقت انگلستان به لرد رچیلد ملیونر معروف یهودی چنین نوشت: «حکومت پادشاهی انگلستان با تاسیس یک مرکز ملی برای یهود در فلسطین موافق است و آنچه میتواند در اجرای این منظور بکار خواهد داشت، از طرف دیگر انگلستان در دوران جنگ اول توسط جاسوسان خود از قبیل کانل لورنس معروف اعزب را علیه دولت عثمانی برانگیخت و بانها وعده استقلال داد. پس از پایان جنگ در تمام مناطق عربستان باستانی سوریه و لبنان که غنیمت جنگی فرانسه شد حکومتهای عربی بوجود آمد که بیشتر در بند انجام خواسته های انگلستان بودند تا مایل است استقلال طلبانه ملل عربی. در سال ۱۹۲۲ انگلستان که موافقت خود را در کشورهای عربی تثبیت شده میدید اعلام داشت که قصد ندارد فلسطین را بکشوری یهودی تبدیل نماید و خود فلسطین را بعنوان تحت الحمایه اشغال کرد. در سال ۱۹۲۹ با اجازه انگلستان دفتر آژانس یهود از طرف صهیونیست ها تاسیس گردید این دفتر با استفاده از فقر اعزب بخرید بهترین زمین های فلسطین آغاز نمود و مهاجرت یهودان را بفلسطین

فلسطین آغاز نمود و مهاجرت یهودان را بفلسطین

اشکول نخست وزیر اسرائیل مبنی بر ضمیمه کردن تمام مناطق اشغالی بخاک اسرائیل حاکی از این غرور بیجا و مستانه است که بسیار زود گنر است. اسرائیل گرچه ظاهر امنطقی را تصاحب کرده ولی بهدفعهای اصلی خود چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی نرسیده است. از جمله هدف های اسرائیل تصرف دمشق و ساقط کردن حکومت سوریه بود که از پیش آنرا رسماً اعلام کرده بود و علیرغم نقض فرمان آتش بس باین هدف نرسیده، هدف دیگر ایجاد بحران داخلی در مصر و ساقط کردن عبدالناصر و حکومت مترقی مصر بود که بآن نیز نرسید. هدف دیگر ایجاد تفرقه و نفاق بین کشورهای عربی و در هم شکستن جنبش نجات بخش ملی در این کشورها بود که بدان نیز نائل نگردید. برعکس موقعیت حکومت ناصر و سوریه بیشتر تحکیم شد و ناصر پاداش صداقت و صراحت خود را با نمایشهای عظیم و بیسابقه توده های میلیون از مراکش تا عراق گرفت و وضع او ایس از هر وقت محکمتر است. دولتهای عربی علیرغم اختلافاتی که از لحاظ ماهیت باهم دارند یکدیگر نزدیکتر شدند و وحدت دنیای عرب در مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم محکمتر شد. پیروزی های موقت نظامی اسرائیل در مقابل استحکام جبهه ۷۰ میلیونی عرب آنطور که اسرائیل فکر میکند اچنان پیروزی نیست که کشورهای عربی را بزانو درآورد و آنها را وادار کند که طبق میل ژنرال دایان و اشکول هر یک جدا گانه بدر گاه حکومت اسرائیل بستانند و تسلیم تمایلات فاشیستی و امپریالیستی میلیونرهای یهود گردند. فاشیست های هیتلری خیلی سریعتر از اسرائیل بموقفیت های نظامی رسیدند ولی موقعی که یائیز فرا رسید و جوجه ها را شمرند چیزی جز شکست و رنگ برای آنها باقی نماند. پشتیبانی امپریالیست ها بخصوص امریکا و انگلستان و آلمان غربی از اسرائیل موجب شکست معنوی تازه ای برای آنها در کشورهای جهان گردید و تظاهرات وسیعی بخصوص در آسیا و خاور میانه علیه آنها بعمل آمد و ماهیت استراتژی جهانی امپریالیسم معلوم تر گردید. مسلماً تا زمانی که سیاست حکومت اسرائیل سیاست تهاجم و امپریالیستی و تبعیت از سرمایه داران بزرگ غربی است نه تنها با کشورهای عربی بلکه با جهان سوسیالیسم و کلیه ملل آزادیخواه و استقلال طلب روبرو است و مانع از آن خواهد بود که مردم اسرائیل حکومتی صلحخواه و مترقی در اسرائیل بوجود آورند و رنگ آرامش و راحتی را به بینند. فقط با تغییر این سیاست بسیاست صلح و همزیستی و مراعات حقوق اعزب رانده شده از فلسطین و تبدیل فلسطین بمنطقه ای که در آن اعزب و یهود در کنار هم از کلیه حقوق برخوردار شوند، رفاه و آسایش صلح منطقه ای که کمک بصلح جهانی است در فلسطین پایدار خواهد شد.

۱. گویا

تصحیح لازم

در شماره گذشته ماهنامه مردم (شماره ۲۶) در مقاله «پیرامون توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی» در سطر دوم از ستون دوم (صفحه اول) بجای عبارت: «با یاکف معاون نخست وزیر و پاتولیچف وزیر بازرگانی اتحاد شوروی» عبارت: «با یاکف معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی» چاپ شده است. بدینوسیله اشتباه چاپی را اصلاح میکنم.

بقیه از صفحه ۱۰۰

سفری که برای شاه و مجافل حاکمه آلمان غربی رسوائی بیار آورد

حتی در برخی از نقاط مثلا در شهر آخن تمام کافه ها و رستورانهای منطقه مورد بازدید را بستند و باز کردن پنجره های خانه ها را نیز ممنوع کردند. در برخی نقاط از جمله در برلین غربی هنگام گردش شاه در شهر یک هلیکوپتر در بالای ماشین او پرواز میکرد و در هامبورگ قبل از گردش شاه با قایق غواصان را بدریا فرستادند تا از زیر آب هم مطمئن شوند. در مجلس ضیافت بن از ۱۴۰۰ نفر مدعو ۶۰۰ نفر پلیس بودند. «دور اندیشی» پلیس تا آنجا بود که ۱-۲ یزشک متخصص آلمانی و یک آمبولانس دائما همراه شاه حرکت میکردند. چنین تجهیز عظیم و بسایقه ای که برای «جانسن» هم تدارک نشده بود و بنا به اشاره طعنه آمیز یکی از روزنامه های آلمان غربی مردم نتوانستند بعزت زیادی پلیس شاه و ملکه را ببینند، فقط نشانه آن بود که تریس شاه از مردم از مردمی که با آنها پیوندی ندارد، افزایش یافته است. افسانه «شاهی» که بر قلوب مردم حکومت میکند باز دیگر و این بار با رسوائی بیشتری بی پایه بودن خود را ثابت کرد.

تظاهرات ضد شاه

قبل از آمدن شاه مقامات سفارت ایران از طرفی و پلیس آلمان غربی از طرف دیگر به تهدید عده ای از دانشجویان پرداختند. پلیس آلمان غربی در دوران اقامت شاه مرز های آلمان غربی را بروی ایرانیان بست و حتی عده ای را بر خلاف قانون تویف کرد و برای مرعوب کردن دانشجویان و پیروانده سازی علیه آنان دست بعیل تحریک آمیزی زد، بدین معنی که قبل از ورود شاه اعلام کرد که دو بسته مواد مخرفه برای دودانشجوی ایرانی ارسال شده است؛ ولی هیچکدام از این فشارها نتوانست دانشجویان ایرانی را در آلمان غربی از تظاهر بر ضد شاه بازدارد.

کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویان ایرانی در آلمان غربی نخست با پخش اعلامیه های متعدد بزبان آلمانی و فارسی و سپس با سازمان دادن تظاهرات در هر نقطه ای که شاه به آنجا میرفت بقصدان آزادی در ایران اعتراض کردند و مطالبات دموکراتیک و عادلانه خود را مطرح ساختند. شاه حتی با وجود حصار پلیس صدای اعتراض نسل جوان و روشنفکر ایران را شنید.

پدیده بسایقه دیگر شرکت وسیع و فعال دانشجویان خارجی و پیروان دانشجویان مترقی آلمان غربی در این تظاهرات بود. مجافل دموکراتیک و مترقی در آلمان غربی که خود در کار مبارزه بزرگ و دشواری علیه تجدید حیات فاشیسم در آلمان غربی هستند، با ابراز همبستگی خود با دانشجویان ایرانی در واقعه در مبارزه مشترک همه نیروهای دموکراتیک و مترقی در سراسر جهان در راه صلح، استقلال و دموکراسی شرکت کردند. شرکت دانشجویان آلمانی و خارجی در این

و پیروزی آنها نزدیکتر خواهد بود.

مادر برابر روح شریف و مبارز این جوان آلمانی سر تعظیم فرود میآوریم. ما به

خانواده و پیروزه زن جوان او، که فرزندی از وی باردار است، صمیمانه تسلیت میگوئیم و خود را در انصوه آنها شریک میدانیم. ما از ابراز همبستگی جوانان مترقی آلمان غربی سیاستگزاریم. ما به این جنایت پلیس آلمان غربی شدیداً اعتراض میکنیم و خواهان مجازات قاتل هستیم. ما اطمینان داریم که خون «بنواونه زورگت» پیوند دوستی و مبارزه مشترک بین دانشجویان ایرانی و دانشجویان مترقی آلمان غربی را محکمتر خواهد کرد.

واکنش افکار عمومی در آلمان غربی

تدارکات پلیس آلمان غربی برای «حفظ شاه» که موجب مختل شدن زندگی عادی مردم و حتی برای مدتی اختلال در امور اقتصادی برخی شهرها شد و خشونت پلیس که سرانجام منجر بقتل یک نفر گردید اثر بسیار نامطلوبی در افکار عمومی مردم آلمان غربی گذاشت و موجب اعتراض شدید مجافل مختلف اجتماعی گردید. بسیاری از روزنامه های آلمان غربی، حتی روزنامه های وابسته بمجافل حاکمه آلمان غربی، از این جریان انتقاد کردند. دانشجویان آلمان غربی به تظاهرات شدیدی بر ضد پلیس آلمان غربی دست زدند و خواستار مجازات قاتل جوان آلمانی و رسیدگی به خشونت پلیس شدند. در تمام مدت اقامت شاه در آلمان غربی بر خلاف گذشته فقط معدودی به «تماشا» آمدند و این تماشاچیان هم با سردی کامل از شاه و ملکه «استقبال» کردند. بدین ترتیب شاه بجای آنکه طبق معمول مسافرتهای خود به خارج موفق به تبلیغ در باره «ایران آزاد» و «شاه محبوب و ترفیخواه» شود، اینبار فقط توانست ماهیت «آزادی» موجود در ایران و درجه «ترفیخواهی و محبوبیت» خود را به افکار عمومی در خارج از کشور آشکار سازد. شاه با سفر خود به آلمان غربی هم برای خود و هم برای مجافل حاکمه آلمان غربی رسوائی تازه و بسایقه ای بیار آورد.

خطاظر مبارک آسوده باشد

مطالعه اخبار روزنامه های ایران درباره سفر شاه به آلمان غربی از نظر دیگری جالب و افشاء کننده است. در این روزنامه ها شما فقط میخوانید که چگونه «شاهنشاه آریا مهر و شهبانو» با «استقبال گرم و پرشور هزاران نفر از دانشجویان ایرانی و مردم آلمان غربی» روبرو شده اند! کمترین خبری در باره حصار پلیس، تظاهرات دانشجویان، خشونت پلیس و جنایتی که رخ داده در این «مطبوعات آزاد» دیده نمیشود. گوئی وقایعی که برای دو هفته تمام اخبار را در آلمان غربی تحت الشعاع خود قرار داد، منظره خیابانهای این کشور را تغییر داد، در زندگی مردم وقفه ایجاد کرد، بحث دولتی و پارلمانی را برانگیخت، در کره ای دیگر رخ داده است که از آن اطلاعاتی در اختیار «مطبوعات آزاد» مگر ما نمیتواند قرار بگیرد! باید که رژیم شاه واقعا «طبیعی» و واقعا «۲۵۰۰

بقیه از صفحه ۳

پیروزیهای شگرف انقلاب اکتبر

در اروپا اشغال میکنند. روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ باندازه ۱۴ در صد امریکا فولاد ۲۰ در صد امریکا زغال ۳۰۰ در صد امریکا نفت و ۸۰ در صد امریکا نیروی برق تولید میکرد. در آزمایش تولید صنعتی امریکا من حیث المجموع ۸ برابر تولید صنعتی روسیه بود. ولی زمانیکه اتحاد شوروی در سال ۱۹۲۰ به احیاء اقتصاد از هم پاشیده خود پرداخت، بهائی که قبلاً ذکر شد وضع آن به مراتب بدتر از سال ۱۹۱۳ بود. چنانکه تولید فولاد امریکا در این سال ۲۱۰ برابر تولید زغال ۶۹ برابر، تولید نفت ۱۶ برابر و تولید نیروی برق ۱۱ برابر تولید شوروی بود. تمام صنایع امریکا ۲۰ برابر بیش از صنایع اتحاد شوروی محصول تولید میکرد. مسابقه اقتصادی میان دو سیستم با چنین شرایط نابرابری آغاز شد. ولی قدرت حیاتی سوسیالیسم و دینتالیسم درونی آن طوری بود که اتحاد شوروی در مدت زمان کوتاه توانست این شکاف عظیم را بجد اقل برساند و با وجود خسارات عظیم زمان جنگ که در عین حال سالهای پر برکتی برای امپریالیسم امریکا بود تولید صنعتی خود را به ۶۵ در صد تولید امریکا برساند. آهنگ متوسط رشد صنایع اتحاد شوروی در ۲۰ سال پس از جنگ برابر ۴۱ در صد یعنی بیش از امریکا بود. آهنگ رشد صنعتی ایالات متحده امریکا بوده است (آهنگ رشد صنعتی امریکا ۲۳ در صد در سال). بدیهی است اتحاد شوروی با چنین آهنگی بزودی بز امریکا. این در اقتصاد چهارم سرمایه داری نیز سبقت خواهد جست و بیش از پیش برتری شیوه تولید سوسیالیستی را بر شیوه تولید سرمایه داری به ثبوت خواهد رساند.

با پیاپی رشد نیروهای مولده، جهات جوانب مختلف مناسبات تولیدی نیز باید بسط و تکامل یابد. پس از حل مسئله مرکزی در مناسبات تولیدی، یعنی حل مسئله مالکیت، جوانب و مسائل دیگر مناسبات تولیدی در شرایط سوسیالیسم اهمیت درجه اول کسب مینماید. مسائلی از قبیل نقش و مقام زحمتکشان در امر اداره و رهبری جوانب مختلف تولید و توزیع، نعم مادی محدود و دامنه ساتراتیسم و دموکراتیسم و ایجاد هماهنگی منطقی متناسب با شرایط خاص تاریخی میان آنها، چگونگی تعیین سهم گروههای مختلف زحمتکشان از محصول اجتماعی و تعیین تناسب لازم در کمیت در آمد ها و غیره، که هر یک بنحوی جوانب مختلف مناسبات تولیدی را در شرایط سوسیالیسم در بر میگردد؛ از اهم این مسائل هستند و در رشد نیروهای مولده جامعه سوسیالیستی نقش بزرگ دارند. نخود برخورد با این مسائل و طرز حل آنها تاثیر عظیم در تکامل مناسبات تولیدی جامعه سوسیالیستی باقی میگذازد. هم اکنون در اتحاد شوروی مانند برخی کشورهای سوسیالیستی دیگر در این زمینه ها کوشش های اولیه بعمل میآید. طبیعتاً است که پیدا کردن راه حل های علمی و بکار بستن صحیح آنها تحریک تازه ای در رشد نیروهای مولده و پیشرفت همه جانبه اقتصاد سوسیالیستی بوجود خواهد آورد. مسعود

ساله» باشد که بلند گویان رژیم میخواهند حصار پلیس را در مغزها هم بوجود آورند! ولی همانطور که حصار پلیس در آلمان غربی نتوانست صدای اعتراض دانشجویان را بر ضد دیکتاتوری شاه خاموش کند، حصار پلیسی در داخل ایران هم نتوانست و نمیتواند مردم را از آگاه شدن بر حقایق سفر شاه به آلمان غربی باز دارد. رادیو پیک ایران، زبان آزاد و حق گوی ملت ایران، هر روز مردم ایران را در جریان وقایع گذاشت و توطئه سکوت روزنامه های ایران را شکست. روزنامه های دولتی با این توطئه سکوت و با این قلب حقایق، رسوائی سفر شارما به آلمان غربی تکمیل کردند. م. انوشه

مقاله وارده

چشم اندازی از اقدامات ارضی دولت

(نتایج رفورم ارضی در ایران در رشته های مالکیت ارضی و استفاده از زمین)

تقریباً ۲۰ سال قبل یعنی در اواخر سال ۱۳۴۰ دولت امینی متن جدید قانون اصلاحات ارضی را منتشر کرد. مدتها قبل از انتشار این قانون یعنی در سال ۱۳۲۹ شاه اعلام کرده بود که مایل است زمینهای خود را که به بیش از یکهزار رقبه (از مجموع ۲۱۰۰ ده املاک سلطنتی) شمارش شده بود بدهقانان ساکن آن زمینها بفرشد. در سال ۱۳۳۳ هم چنین آئین نامه مربوط به اجرای قانون تقسیم و فروش املاک خالصه که دو سال قبل از آن بتصویب رسیده بود تنظیم گشت و اجرای آن آغاز گشت. ولی زمینهای خالصه و دربار تقریباً یک بیستم زمینهای زیر کشت ایران را تشکیل میدادند. بیش از ۶۰ درصد زمینهای زیر کشت مملکت در انوع فقط به ملاکین و بخصوص ملاکین عده که هر یک بطور متوسط ۴۰ تا ۵۰ در در دست در مالکیت داشتند تعلق داشت. تعداد بسیاری از زمینها نیز در حیطه مالکیت وقف بود. از همه زمینهای زیر کشت فقط ۱۴ درصد به دهقانان آنها فقط به ۷ درصد دهقانان نسق دار تعلق داشت و بقیه ۹۳ درصد دهقانان نسق دار زمین نداشتند و بر روی زمین ملاکین و شاه و خالصه و وقف کار رعیتی و اجاره داری مینمودند. مناسب است ارباب - رعیتی که صد ها سال بر ده ایران حاکم بود، دهقان ایرانی را به برده تبدیل کرده او را به زمین و ارباب وابسته نموده بود. فشار اقتصادی و غیر اقتصادی بر دهقانان و محرومیت آنان موازی با ازدیاد جمعیت کشور بتدریج کشاورزی را به سمت سقوط میبرد. گندم کمپاد شد، نهضت دهقانی توسعه یافت و مهاجرت دهقانان به شهرها صورت دسته جمعی بخود گرفت.

تعداد دهات، وضع جمعیت دهات بدهد تا درک ارقام داده شده توسط دولت سهلتر گردد.

طبق نوشته این جزوه مرحله دوم قانون در ۵۳۷۴۸ ده و ۱۷۹۶۲ مرزعه اجراء شده که در آنها بیش از ۳۵ میلیون خانوار روستائی زندگی میکنند. از این تعداد کل قبل از آغاز رفورمها ۲۳۱۷۳۳۰ خانوار را کشاورزان یا زارعین و یا دهقانان بهره بردار با زمین تشکیل میدادند. اینها مجموعاً ۶۰ درصد ساکنین دهات را تشکیل میدهند و هم اینها هستند که طبق قانون اصلاحات ارضی شامل مواد این قانون میگرددند. بقیه ۴۰ درصد روستائیان که ۱۵۵۰ درصد آنها را بهره برداران بدون زمین (گاو و گوسفند داران) (بهره برداران دارای صنایع دستی و غیره) و ۲۴۵۰ درصد را روستائیان غیر بهره بردار (کارگران کشاورزی، مغازه داران، مأمورین دولتی و غیره) تشکیل میدهند. شامل مواد قانون اصلاحات ارضی نمیکردند و بنابر این ضمن توضیحات بعدی هر جا نام دهقان مشمول اصلاح ارضی آورده میشود منظور همان ۶۰ درصد فوق میباشد.

اینک پس از انجام مراحل اول و دوم قانون اصلاحات ارضی در ۵۲۸۱۸ ده و ۱۷۶۴۴ مرزعه که ۹۸ درصد دهات و مزارع کشور میباشد و در آنها ۲۳۱۵۹۰۰ خانوار بیا بیش از ۹۹ درصد کلبه دهقانان کشاورز یا بهره برداران با زمین زندگی میکنند خاتمه یافته است و بقول مأمورین اصلاحات ارضی، تکلیف قانونی شان روشن شده است. حال به بردارزم باینکه این، تعیین تکلیف، چگونه انجام شده است.

۱- تغییرات در مالکیت شاه بر زمین - طبق آنچه شکار در کتاب اخیر خود نوشته است او ۲۰۰ هزار هکتار از زمینهای خود را بقیه قریب ۲۵ هزار دهقان (اکثراً بطور مسوولی) تقسیم و از آنها برای مدت ۲۵ سال اقساط معینی بابت قیمت زمین میگردد و البته برای آنکه بتوانند بهره دهقانان از ۵ تا ۸ هکتار زمین بدهند مجبور گشته اند دهقانانی را که زمین بانها نرسیده از دهات بیرون کنند.

۲- تغییرات در مالکیت خالصه - آنچه از زمین های دولتی بدهقانان فروخته شده بشرح زیر است: ۸۹۷ ده خالصه در خوزستان به ۴۸۷۷۶ خانوار دهقان، ۲۹۳ ده خالصه در سیستان در ۷۵۰۲۰ هکتار به ۲۲۴۴۱ خانوار دهقان (۲) تعداد ۴۶۵۷۱ هکتار از زمینهای دشت مغان بین ۵۸۱۵ خانوار دهقان تقسیم شده است. ۱۲۱۵ هکتار از زمینهای خالصه فارس بین ۸۱ خانوار دهقان و ۷ ده ازدهات خالصه کرمان بین ۲۸۰ خانوار دهقان تقسیم گشته. کلیه این زمینهای خالصه نیز باقسط ۲۵ ساله بدهقانان واگذار شده است. بنابر این در نتیجه تقسیم و فروش زمینهای خالصه ۷۷۳۹۳ خانوار دهقان مالک زمین گشته اند. (اصلاحات ارضی در ایران صفحه ۲۴)

۳- در رشته مالکیت بر زمین های وقف چنین تغییراتی داده شده: طبق قانون رفورم ارضی که با قوانین شرع اسلام وفق داده شده فروش زمینهای وقف قدغن است باینجهت تصمیم گرفته شده که ۱۱۰۸۵ رقبه از زمینهای وقف عام را به ۱۲۴۰۶۵ خانوار دهقان به اجاره ۹۹ ساله واگذار کنند و ۱۰۰۵ رقبه از زمینهای وقف خاص را به ۲۳۱۲۸ خانوار دهقان به اجاره ۳۰ ساله بدهند.

۴- دوزمینیه مالکیت اربابی - قریب ۱۲ هزار ده شش دانگ و غیر شش دانگ که مالکین آنها آنان را بعنوان ملک اضافی خود بدولت واگذار کرده اند بین ۴۸۵۱۷۳ خانوار دهقان تقسیم و بانها فروخته شده است. از دهات اضافی ۱۲۷۷ ده اربابی مکانیزه تشخیص داده شده، ۶۲۵۰ ده باغ و ۶۱۰۹ ده مرغوبه، تشخیص گشته است که طبق قانون همه آنها تحت اختیار مالکین باقی خواهد ماند.

۲۰۲۳۵۹ مالک که صاحب دهات خود مانده اند طبق آمار در مناسبات سابق خود با دهقانان تجدید نظر کرده و زمینهای خود را اینک به اجاره مقطوع بدهقانان داده اند. شماره این نوع دهقانان در آمار ۱۰۷۶۷۷۵ خانواده ذکر شده است. در آمار رقم قابل توجهی بچشم میخورد و آن رقم ۱۴۱۸۷ خانواده دهقان است که طبق تمایلی خود، گویا حق خود را به مالک

ولی در باره آنچه مربوط به نتایج رفورم ارضی در مورد تغییرات در طبقه مالک است باید گفت که بر اساس آمار فوق ۲۰۲۳۵۹ مالک زمینهای خود را به اجاره مقطوع داده اند، ۳۲۳۷۴ مالک شرکت سهامی تشکیل داده اند. ۱۷۰۳۸ مالک زمین های خود را از اختیار اجاره داران بر آورده و بلا اشتراک صاحب زمین های خود گشته اند و در آتی زمین های خود را به کشت مکانیزه تخصیص خواهند داد. ۶۳۹۲ شخصیت حقوقی (مالکین زمین های وقف عام و ۱۹۷۷ شخصیت حقوقی مالکین زمین های وقف خاص باقی مانده اند) و باین طریق دیده میشود که در نتیجه رفورم ارضی بجای طبقه سابق ملاکین که از انواع ملاکین بزرگ و کوچک تشکیل شده بود، اکنون طبقه پر قدرتی بنام طبقه ملاکین متوسط ایران که تعداد آنها به ۱۷۰ هزار نفر رسیده، دو سوم زمینهای زیر کشت ایران را در دست داشته و ۶۰ درصد دهقانان بهره بردار با زمین را استعمار می نمایند تشکیل گشته است. این طبقه مالکین متوسط با کشیده شدن بپایه تولید سرمایه داری نیروی از جهت شکل جدیدی را در جامعه ایران تشکیل خواهند داد و موضع گیری سیاسی و اجتماعی آنها با ملاکان بزرگ فتودال تفاوتی خواهد داشت. البته با وضع سیاست دولتی فعلی که در بالا ذکر شد بزودی چه در بین دهقانان صاحب زمین و چه در بین طبقه ملاکین، قتر بندی شروع شده و قشر ثروتمند تر از این دو دسته جدا خواهد شد بهمان شکل که قشر فقیر آن از جرگه این دو طبقه بتدریج بیرون خواهد رفت. هم اکنون نمونه های هر جسته ای در بین دهقانان صاحب زمین در معیولات کشور میتوان یافت. صرف نظر از همین مطالب، قانون رفورم ارضی اهمیت معینی برای تغییر وضع اقتصادی ایران داشته و بطور عینی شرایط مناسبی برای رشد نسبی سریعتر بازار داخلی و کشاورزی ایران بر اساس طریقه تولید سرمایه داری فراهم خواهد کرد. بدون تردید در آینده نزدیک این تغییرات وارد در رشته استفاده از زمین شامل جمعیت غیر زارع دهات ایران نیز خواهد شد. این تغییرات درجه فعالیت آنها را بالا خواهد برد و آنان را به کار کشاورزی بر اساس کار مزدوری در چهار چوب مناسبات سرمایه داری خواهد کشاند و باعث رشد طبقه کارگر کشاورزی مدرن در دهات ایران خواهد شد.

- (۱) - نقل از کتاب آمارگیری - کشاورزی کل کشور. سال ۱۳۳۹ جلد ۱۵ جدول ۱ و ۲
- (۲) - طبق مندرجات کتاب اصلاحات ارضی در ۱۳۴۵ - ۱۶ هزار نفر از دهقانان فوق ۱۴۹۹۴ هکتار زمین را بطور مجانی از دولت گرفته اند.

بقیه از صفحه ۸

دو سمینار علمی بمناسبت پنجاهمین سال...

سمینارهای علمی حزب ما اکنون به روشن کردن یک بخش مهم تاریخ معاصر کشور کمک مؤثر کرده است. این سمینارها بر اساس اسناد و واقعات متعدد بدلف و غیر قابل انکار ثابت کرده اند که بدون انقلاب اکثریت و بدون همسایگی با اتحاد شوروی استقلال کشور ما براب بود و ایران نمیتوانست موقعیت و موفقیت های امروزی خویش را در رشته های گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی و معنوی بدست آورد. این سمینارهای علمی نشان دادند که دوستی و همکاری با اتحاد شوروی منبع قدرت و پیشرفت مین است. در این سمینارها وقایع شگرف سالهای پس از انقلاب در کشور ما از نظر گذشت و تکان نیرومندی که انقلاب و سیاست لنینی دولت نوپیدا شوروی در عقول و قلوب مردم ایران ایجاد کرد بشکلی رسا و مقنع نشان داده شده است.

سمینارها تحت نظر شعبه مرکزی تبلیغات و فعالیت ایدئولوژیک حزب جریان یافت. سمینارها رشد کادر های علمی حزب و قدرت تحلیل مستقلانه آنها را در مسائل بفرنج تاریخی و اجتماعی مبرهن ساخت.

در باره احزاب سلطنتی

پایان داد و کلیه مظاهر دموکراسی یعنی احزاب آزاد، مطبوعات آزاد، انتخابات آزاد، زیرهجوم سبانه ارتجاع، آخرین آثار حیات را از دست دادند. ارتجاع بتمام معنا حاکم شد. حکومت بدون حزب، بدون روزنامه و بدون مجلس و انتخابات، ایده‌آل امپریالیسم و ارتجاع داخلی بود، ولی دو عامل عمده یعنی تلاش و مبارزه مردم برای حصول دموکراسی و نیز مقتضیات جهانی موانع بزرگی در این راه بودند. از اینجهت طرح ایجاد احزاب ساختگی، روزنامه‌های دستوری و مجالس صد در صد فرمایشی بمرحله اجرا درآمد. این تقلید مزورانه حد اقل این فایده را داشت که هم عده ای را در داخل بفریبید و هم بدروغ بجهان نشان دهد که در ایران حزب هست، روزنامه هست، انتخابات و مجلس هست و بنا بر این دموکراسی وجود دارد. برای اجرای این طرح، بقیه در صفحه ۲

حزب درباری «ایران نوین» مولود سه سال و نیمه «انقلاب شاه و مردم» از تاریخ ۲۴ تا ۲۶ اردیبهشت نخستین «کنگره» خود را در تهران تشکیل داد. در برگزاری این کنگره برخی ظواهر کنگره‌های اصیل حزبی و از جمله دعوت میهمانان خارجی تقلید شده بود. گردانندگان کنگره برای بالا بردن قدر آن، حتی بدروغ مدعی شدند که گویا از حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز میهمانانی در این کنگره شرکت داشته‌اند. کوشش «ایران نوینی‌ها» برای جازدن کنگره حزب خود بعنوان کنگره یک حزب جدی سیاسی قرین موفقیت نشد باین دلیل ساده که این حزب با وجود استفاده از تمام وسایل آرایش و پیرایش از اعتماد مردم که شرط اولیه و حتمی وجود حزب است برخوردار نبود.

مقارن با تشکیل کنگره حزب «ایران نوین» حزب درباری «مردم» نیز برای آنکه در عرصه خودنمایی از حریف عقب نمانده باشد، مجمعی بنام «سینار بررسی امور روستائی» گرد هم آورد که آغاز و ختام آن تملق گوئی بنده‌وار از شاه بود تشکیل کنگره و سینار این دو حزب سلطنتی را باید در چارچوب تقلید مکارانه از ظواهر دموکراسی فریب مردم و صحنه سازی در آستانه انتخابات ارزیابی نمود. تشکیل این کنگره و سینار و فعالیت این دو حزب در آستانه انتخابات بما فرصت می‌دهد تا بار دیگر پیشینه حزب سازی هیئت حاکمه و انگیزه ایجاد اینگونه احزاب را مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه حزب سازی
دستگاه دولتی
زحمتکشی که حزب توده

ایران حامل صدیق ایده الهای انسانی است، موجب شد که حزب ما در فاصله کوتاهی پس از پایان جنگ دوم جهانی نفوذ بی سابقه خود را در سراسر کشور گسترش دهد. امپریالیسم و جناحهای مختلف هیئت حاکمه برای مقابله با حزب ما و انحراف توجه عمومی، ب فکر ایجاد احزاب ساختگی با استفاده از پول و قدرت دولتی افتادند. حزب اراده ملی سید ضیاء الدین طباطبائی، حزب عدالت علی دشتی، حزب دموکرات قوام السلطنه و حزب سوسیالیست سردار فاخر حکمت، عموماً مظاهر حزب سازی در دورانی است که حزب ما با شکل و تجهیز توده های زحمتکش در صفوف خود مبارزه وسیعی را علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی رهبری مینمود.

اما این احزاب بی ریشه که حمایت مردم را با خود نداشتند عمرشان چون عمر حکومت مؤسسان شان کوتاه و کم دوام بود و افول قدرت رجال مؤسس، پیوسته افول حزب را نیز بدنال داشت. این احزاب حتی در اوج قدرت خود جز مشتی استفاده‌جو و سیاست باز و اقلیتی که در نتیجه تهدید و تطمیع «ایمان آورده بودند»، با خود نداشتند.

انگیزه تشکیل
احزاب سلطنتی
به فعالیت علنی و نیمه
علنی حزب ما و سایر سازمانها و گروههای ملی

دو سمینار علمی

بمناسبت پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

از طرف حزب توده ایران برگزار شد.

۱ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و دموکراتیزم انقلابی در ایران»
۲ - «انقلاب اکتبر و اشاعه اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی در ایران»
۳ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و جنبش کارگری و کمونیستی در ایران»
۴ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و تکامل مطبوعات دموکراتیک و مارکسیستی در ایران»
۵ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و جنبش آزادی زنان»
۶ - «انقلاب اکتبر و جنبش کیلان (۱۹۱۷ - ۱۹۲۱)»
۷ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر و جنبش خیابانی در آذربایجان»
۸ - «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و جنبش خراسان برهبری کنلن بسان»
۹ - «انقلاب دموکراتیک آذربایجان (۱۹۴۵ - ۱۹۴۶)»
۱۰ - «تأثیر انقلاب اکتبر در جنبش رهایی بخش خلق کرد»
۱۱ - «همکاری اقتصادی و فنی ایران و شوروی»
۱۲ - «تأثیر انقلاب اکتبر در تکامل ادبیات آذربایجان»
در سمینار علمی دوم سخنرانان اصلی سمینار در اطراف هشت موضوع زیرین سخنرانی کردند:

۱ - «توسعه و تحکیم مناسبات ایران و شوروی ضامن استقلال اقتصادی و سیاسی ایران»
۲ - «پنجاه سال همزیستی ایران و شوروی»
۳ - «تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در رهایی ایران از قیود اقتصادی و اجتماعی»
۴ - «انقلاب کبیر اکتبر و نهضت انقلاب کارگری ایران بین دو جنگ جهانی»

۵ - «اندیشه اکتبر و جنبش انقلابی در کشورما»
۶ - «تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در نهضت جنگل و انقلاب کیلان»
۷ - «انقلاب اکتبر و جنبش ضد قرارداد آنکلس و ایران (۱۹۱۹)»
۸ - «تأثیر انقلاب اکتبر در ادبیات ایران»

علاوه بر سخنرانان اصلی سمینار عده‌ای سخن یار (که در تکمیل گزارش دهندگان اصلی سخن گفته‌اند) درباره یک سلسله مسائل جالب دیگر که به تأثیر انقلاب اکتبر در جامعه ما مربوط است در هر دو سمینار سخنرانی کردند. در هر دو سمینار جمعی میهمانان خارجی و ایران شناسان بنام حضور داشتند. سمینار علمی سوم قرار است در آستانه انقلاب اکتبر برگزار شود.

شرح مفصل سمینارهای علمی اول و دوم حزب ما که تحت عنوان «انقلاب اکتبر و ایران» برگزار شده در شماره دوم سال هشتم مجله دنیا درج خواهد شد. در شماره سوم سال هشتم مجله دنیا شرح سمینار سوم درج میشود. متن کلیه سخنرانیهای سمینار در کتاب جداگانه‌ای بنام «انقلاب اکتبر و ایران» چاپ خواهد شد.

بقیه در صفحه ۷

بنا بر تصمیم بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت فرا رسیدن پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر یک سلسله ابتکارات و اقدامات گوناگون از طرف سازمان حزبی ما در کشور و خارج از کشور انجام میگردد. یکی از این اقدامات عبارت است از تشکیل سه سمینار علمی تحت عنوان «انقلاب اکتبر و ایران» در نقاط خارج از کشور. تا کنون دو سمینار علمی برگزار شده است: در سمینار علمی اول سخنرانان اصلی سمینار در ۱۲ موضوع مختلف سخنرانی کردند. عناوین سخنرانیهای سمینار اول بقرار زیرین است:

صحنه ای
از تظاهرات
دانشجویان
ایرانی مقیم
آلمان غربی
علیه شاه -
ماموران
سازمان
امنیت ایران و
آلمان غربی به
دانشجویان
حمله برداند.

راه آزادیهای دموکراتیک با مبارزه علیه

پیمانها و پایگاههای نظامی در خاور میانه و نزدیک را خاطر نشان ساخت. سمینار در پایان کار خود اعلامیه ای منتشر کرد که ضمن آن گفته شده است: «طرح پیمان اسلامی که حکمرانان اردن و عربستان سعودی و ایران که در قبال امپریالیستها از خود زبونی نشان میدهند مبتکر آنند با مخالفت شدید ملل عرب روبرو شده است».

در اعلامیه از جوانان جهان دعوت شده است از مبارزه حق طلبانه مردم خاور میانه علیه دخالت امپریالیستها در امور داخلی آنها و علیه قراردادهای پایگاههای نظامی امپریالیستی پشتیبانی کنند.

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهادهای خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

سمینار جوانان در قاهره

سمینار مبارزه جوانان علیه پیمانها و پایگاههای نظامی در خاور میانه و نزدیک از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت سال جاری در قاهره تشکیل شد. این سمینار با همکاری فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و سازمان جوانان سوسیالیست جمهوری متحده عرب تشکیل شد و نمایندگان سازمانهای جوانان کشورهای مختلف از اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا در آن شرکت جستند. نماینده سازمان جوانان توده ایران که در این سمینار شرکت کرده بود در سخنرانی خود از پیمان اسلامی و شکست این نقشه امپریالیستی و لزوم ادامه مبارزه علیه آن و همچنین درباره سیاست بدخواهانه دولت ایران در قبال کشورهای مستقل عربی و هماهنگی آن با سیاستهای امپریالیستی در این منطقه صحبت کرد. او ضمن تشریح ماهیت پیمان سنتو و قرارداد نظامی دو جانبه با آمریکا و تضرعات منفی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آنها، خواست تمام مردم ایران از آنجمله جوانان ایران را در باره الغاء این قراردادها یاد آور شد و ضرورت در آمیختن مبارزه علیه استبداد و در